

# آسیب‌شناسی مغایرت‌های تصویب‌نامه‌های دولت در رسیدگی رئیس مجلس شورای اسلامی

موضوع اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی

فرید محسنی<sup>۱</sup> و سیدمحمد مهدی غمامی<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۸

دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۴

## چکیده

نظارت بر مصوبات دولت از مهمترین دغدغه‌هایی است که تمامی نظام‌هایی حقوقی برای تضمین سلسله مراتب قوانین و حاکمیت قوانین بر مقررات عمومی چه از طریق نهادهای سیاسی و چه قضایی در پی آن بوده و هستند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی و قبل از آن نیز اصل (۱۲۶) سابق، مصوبات دولت را تحت نظارت یک مقام سیاسی قرار داده بود تا مقررات‌گذاری همانند قانونگذاری توسط مرجعی سیاسی و مسلط به قوانین مورد بررسی و نظارت قرار گیرد. ماحصل این نظارت مطابق اصول مذکور و ماده واحده «قانون نحوه اجراء اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در رابطه بامسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی»، ملغی‌الاثربودن مصوبات مغایر قانون (عادی) هیئت وزیران یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر است. با وجود این برخی از حقوقدانان با ادله‌ای که اظهار می‌دارند در جهت توجیه عدم اجرای این اصول و مواد قانونی هستند. در این مقاله نگارنده با استناد به اظهارات مذکور و نقد آن، به عمده علل مغایرت‌های مصوبات دولت با قوانین می‌پردازد. بر این اساس عمده مغایرت‌ها یا ناشی از الغاء و پیگیری برخی برداشت‌های خاص از قانون و یا به دلیل برخی اقتضانات و سهوهای مقررات‌گذار یا قانونگذار است.

**کلیدواژه‌ها:** نظارت، رئیس مجلس شورای اسلامی، هیئت وزیران، اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی، هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین.

## مقدمه

قانونگرایی ضرورت دوام و پایداری هر کشوری است. (Marek, 1954: 278) علی‌الخصوص اینکه لازم است مقامات کشوری سعی نمایند فارغ از فضای رانت، ابهام و خلاء قانونی، رضایت و مصلحت عمومی را دور از برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای تأمین کنند. و بدون تردید قانون غایتی ندارد جز تأمین حق و عدالت، چنانکه امام خمینی تشکیل حکومت را هدفی آلی در جهت اجرای قانون و عدالت می‌داند: «ان الحکومه الاسلامیه انما جعلت لاجل اجرا القانون و بسط العداله الالهیه بین الناس.» (خمینی (امام)، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۲۰) ایشان حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون عدل الهی دانسته که همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ مقام و حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون قدمی بردارد، لذا با صراحت همگان و از جمله کارگزاران را به حاکمیت قانون فراخوانده و بیان نمودند: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید ولو برخلاف رأی شما باشد، باید بپذیرید برای اینکه میزان اکثریت است و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه ما باید بپذیریم، من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم، مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد... خوب ما هم می‌پذیریم.» (خمینی (امام)، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۳۷۸) در واقع از بدیهیات تشکیل هر حکومت و استقرار هر نظامی، حاکمیت قانون است.

مقام معظم رهبری نیز امر حاکمیت قانون را مد نظر قرار داده، و نقض و فرار از قانون را علت بحرانی کردن اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌داند، به همین دلیل همواره عنوان می‌کنند: «قانون فصل الخطاب است برای عمل دولت» (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۰/۳/۸) و «آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید.» (نماز جمعه تهران مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۹) بیانات امام و رهبری دو وجه دارد:

۱) این که ایشان به عنوان یک سیاست کلی نظام<sup>(۱)</sup> بیان می‌دارند که اصل بر اجرای مفاد و اهداف قانون، بدون کم و کاست، و بدون اتباع از برداشت‌های منجر به نقض قانون است. و همانطور که می‌دانیم اصل بر لازم‌الاتباع بودن این سیاست‌ها می‌باشد کما اینکه برخی برداشت‌ها ناصواب سیاست‌های کلی نظام را ارشادی و قابل تخطی می‌دانند.<sup>(۲)</sup> و

متأسفانه رویه عملی برخی از مقامات مبین این رویکرد بصورت عملی است؛  
 ۲) وجه پنهان و آسیب‌شناسانه آن اشاره به مسائلی دارد که بطور روزمره و کلان شاهد آن هستیم یعنی نقض و فرار از قانون.<sup>(۳)</sup>

در این مقاله نگارنده با بررسی استدلال‌های مدعی غیر قانونی بودن و غیر قابل توجیه بودن نظارت رئیس مجلس بر اساس سازوکار ذیل اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی، به تحلیل مغایرت‌های ناظر به مصوبات هیئت محترم وزیران پرداخته است و در جهت اتقان این مطالعه، صرفاً به مصوباتی از هیئت وزیران اشاره کرده که به دلیل مغایرت قانون ملغی‌الاثراً شده و در روزنامه رسمی - در چند سال اخیر - منتشر شده است.

### مبنای قانونی کنترل مصوبات هیئت وزیران (هیئت دولت)

نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی یک نظام استقلال قوا است که مطابق اصول متعددی با اینکه قوا از یکدیگر مستقل هستند ولی ابزارهایی نیز در اختیار دارند تا بر عملکرد یکدیگر نظارت سیاسی - قضایی به عمل آورده و مانع از نقض قانون و فساد قدرت گردند. بر این اساس و مطابق اصل (۷۱) قانون اساسی، صلاحیت قانونگذاری - علاوه بر صلاحیت نظارت - ، صلاحیت انحصاری مجلس شورای اسلامی است و البته مفهوم قانونگذاری عبارت است از هر وضع قاعده کلی و نوعی. در مفهوم اعم چنانکه اصل (۷۱) نیز به آن اشاره کرده قانون شامل مقررات عمومی نیز می‌گردد. این صلاحیت قوه مقننه طبق اصل استقلال قوا مصرح در اصل (۵۷) خدشه ناپذیر است و البته می‌دانیم که نظام حقوقی کشور ما مانند برخی از کشورها قوه مجریه و دولت را شریک در امر قانونگذاری ندانسته است.<sup>(۴)</sup> بلکه بطور محدود بر اساس صدر اصل (۱۳۸) به وی اجازه مقررات‌گذاری در خصوص «وظایف اداری»، «تأمین اجرای قوانین» و «تنظیم سازمانهای اداری» با رعایت صلاحیت مجلس در امر قانونگذاری به مفهوم عام داده شده است. همچنین در جهت تأمین دید کارشناسانه فنی، دولت مطابق اصل (۸۵) اساسنامه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت قوانین بصورت تفویضی تدوین و تصویب می‌کند. (غمامی، ۱۳۹۰: ۴۳۲)

با توجه به صلاحیت قانون‌گذاری و همچنین نظارت مجلس - که قاعدتاً سیاسی است - ، برای آنکه مفاد قوانین مصوب مجلس به نحو صحیحی در مقررات مصوب دولت متبلور

شود، قبل از بازنگری قانون اساسی، اصل یکصد و بیست و ششم، رئیس‌جمهور را مرجع نظارت بر مصوبات دولتی قرار داده بود: «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیأت وزیران به اطلاع رئیس‌جمهور می‌رسد و در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران می‌فرستد.» این نظارت از آن جهت که هیأت وزیران توسط نخست وزیر اداره می‌شد (اصل یکصد و سی و چهارم سابق) و وی نیز منتخب مجلس بود مطلوب به نظر می‌رسید. البته از آن جهت که شورای نگهبان در یک نظریه تفسیری<sup>(۵)</sup> این نظارت را به قبل از اجرا کشانده بود، اصل «عدم تعطیلی امور عمومی» با خدشه روبرو می‌شد. ولی به هر حال مشروح مذاکرات اعضای شورای بازنگری قانون اساسی مبین سابقه مطلوب نظارت بر مصوبات دولت است و از آن جهت که با توجه به حذف مقام نخست وزیر و اعطای صلاحیت ریاست هیأت وزیران به رئیس‌جمهور، بقای این نظارت در زمره اختیارات رئیس‌جمهور ممکن نبود<sup>(۶)</sup>، آنها مجلس و رئیس آنرا مقامی صالح در خصوص اجرای این نظارت تشخیص دادند.<sup>(۷)</sup> این اعطای صلاحیت از آن جهت که لازم بود برداشت مبتنی بر رویکرد قانونگذار نیز در مفاد مقررات تضمین گردد ضروری بود. چرا که مجلس صلاحیت انحصاری تفسیر قوانین عادی را مطابق اصل هفتاد و سوم بر عهده دارد. (غمامی، ۱۳۹۰: ۴۳۲-۴۳۳)

بر اساس ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی اصلاحی سال ۱۳۶۸ جمهوری اسلامی ایران «مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.» همچنین ذیل اصل (۱۳۸) قانون اساسی هم مقرر می‌کند: «تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.»

در این راستا در سال ۱۳۶۸ قانونی عادی تحت عنوان «نحوه اجراء اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی» وضع شد که اشعار می‌دارد: «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و نیز مصوبات موضوع اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع رئیس مجلس

شورای اسلامی می‌رسد. در صورتی که رئیس مجلس آن را خلاف قانون تشخیص بدهد نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نماید، چنانچه این قبیل مصوبات بعضاً یا کلاً خلاف قانون تشخیص داده شوند حسب مورد هیأت وزیران و یا کمیسیون مربوطه مکلف است ظرف یک هفته پس از اعلام نظر رئیس مجلس نسبت به اصلاح مصوبه اقدام و سپس دستور فوری توقف اجراء را صادر نماید. این ماده واحده با الحاقات آتی هم اکنون (۸) تبصره دارد و مفاد آنها همگی بر قاطع بودن نظر رئیس مجلس حتی بر آراء دیوان عدالت اداری حکم می‌کند. این نظارت مطابق قوانین به سایر نهادهای تصمیم‌گیر از جمله شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی موضوع تبصره ماده (۳۸) و تبصره «۲» ماده (۴۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و همچنین مصوبات شورای عالی استان‌ها موضوع تبصره «۲» ماده (۱) قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز شهرها (مصوب ۱۳۸۸ مجلس و اصلاحیه مجمع تشخیص مصلحت نظام) تسری می‌دهد.

به این ترتیب در نظام کنترل و نظارت، مجلس شورای اسلامی از طریق ریاست مجلس بر نحوه مقررات گذاری دولت نظارت می‌کند تا دو امر زیر در جهت حاکمیت قانون تضمین گردد و مقررات مصوب هیئت وزیران و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر اقدام به تصویب مقررات مغایر با قانون ننمایند:

۱- روح قانون، که شامل اهداف و مبانی قانون می‌گردد حتی اگر در متن مفاد قانون لحاظ نشده باشد.<sup>(۸)</sup>

۲- مفاد و مقررات قانون، که در قالب مواد و بندهای هر قانون به بیان اهداف و موضوعات مورد نظر قانون پرداخته شده است.

با وجود این دلایل متعددی وجود دارد که هم امکان نظارت جامع و کامل را برای رئیس مجلس فراهم نمی‌آورد و هم دولت در مواردی از احکام قانون در جهت وضع مصوبات خود تبعیت نمی‌کند. در هر صورت تا اندازه‌ای این اتفاق نسبت به وظایف دولت در اداره امور عمومی و آرایه خدمات عمومی طبیعی است ولی نسبت مغایرت‌ها نسبت به تعداد مصوبات صادره در برهه‌هایی رشد صعودی داشته است. این اتفاق در دولت‌های هشتم و نهم از جهت رشد متناوباً صعودی قابل مطالعه است. رئیس‌جمهور دولت نهم در این خصوص نامه‌ای را خطاب به رهبری درباره ارسال کرد که پس از بحث

و بررسی موضوع، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۳ هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه نظر هیأت مذکور به مقام معظم رهبری به شرح ذیل اعلام گردید: «الغاء اثر مصوبات دولت توسط رئیس محترم مجلس شورای اسلامی مبتنی بر قوانین مصوب مجلس است. رئیس‌جمهور محترم نیز در نامه ارجاعی، پیش‌بینی چنین اختیاری در قانون عادی را موجب توسعه اختیارات رئیس مجلس در اصول یادشده و تضییق اختیارات دولت دانسته‌اند. از آنجا که عمده اختلافات و ناهماهنگی‌ها در این زمینه به اختلاف برداشت از اصول یادشده مربوط می‌شود و با توجه به تأکید بند نخست راهبردهای ابلاغ شده اجرای بند ۷ اصل ۱۱۰ بر استفاده از راه‌هایی مانند تفسیر قانون اساسی برای حل اختلاف و تنظیم روابط قوا، تفسیر شورای نگهبان از اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در این مورد که آیا اصول مذکور اختیار الغاء اثر مصوبات دولت را به رئیس مجلس اعطا می‌کند یا خیر، راه‌گشا خواهد بود. چنانچه اعلام نظر هیأت عالی در خصوص برداشت از اصول فوق نیز مورد نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد، متعاقباً اعلام نظر خواهد شد.» پاسخ شورای نگهبان در راستای تضمین حاکمیت قانون کاملاً قابل پیش‌بینی و منطبق بر موازین بود. تفسیر شورا که هم سنگ مفاد قانون اساسی است در مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۰ به شماره ۷۳۲/۳۰/۹۱ م تصریح می‌دارد: «هیأت وزیران پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مکلف به تجدیدنظر و اصلاح مصوبه خویش است؛ در غیر این صورت پس از گذشت مهلت مقرر قانونی، مصوبه مورد ایراد ملغی‌الاثراً خواهد شد.» (پورتال شورای نگهبان، تفسیر ذیل اصل ۱۳۸)<sup>(۹)</sup> با وجود این دولت همچنان رویه سابق خود را ادامه داد. در این مقاله در راستای آسیب‌شناسی مغایرت‌های تصویب‌نامه‌های دولت، باید به دو دسته از علل می‌پردازیم.

#### ۱- برداشت‌های منجر به مغایرت

این برداشت‌ها مبنائاً موجبات مغایرت را فراهم می‌کند، برداشت‌هایی از اصول (۸۵) و (۱۳۸) که دو هدف عمده را پیگیری می‌کند: اول اینکه وضع اصول مذکور را اشتباه و پارادوکسیکال با سایر مفاد قانون اساسی معرفی کنند؛ دوم تفسیری که تضمین ذیل اصل و مفاد قانون نحوه اجرا را مخدوش کند. به این ترتیب و مبتنی بر این برداشت‌ها، دولت اولاً سعی می‌کند تا بخشی از مهمترین مصوبات خود را برای رئیس مجلس ارسال نکند و ثانیاً به انحاء مختلف به نظر رئیس مجلس و تبصره چهارم الحاقی ماده واحده اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) عمل نکند.

## ۱-۱- برداشت‌ها دولت از اصل (۸۵) و (۱۳۸) و نتایج آن

۱-۱-۱ دولت و حقوقدانان موافق نظر وی چنین ابراز می‌دارند که اصول (۸۵) و (۱۳۸) هم با سایر اصول مغایرت دارند و هم برای رفع این مغایرت باید تفاسیر خاصی را ارایه کرد:

۱. اصول مذکور موجب اختلال در تفکیک قوا مندرج در اصل (۵۷) می‌شوند.<sup>(۱۰)</sup> (محمد نژاد، ۱۳۹۱) و (منشی زاده، ۱۳۹۱)
۲. وضع قانون عادی اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) بر خلاف قانون اساسی بوده<sup>(۱۱)</sup> (بداعی، ۱۳۹۱) و (منشی زاده، ۱۳۹۱)<sup>(۱۲)</sup> و صلاحیت رئیس مجلس را خلاف قاعدهٔ عدم صلاحیت افزایش می‌دهد.<sup>(۱۳)</sup> (محمد نژاد، ۱۳۹۱)
۳. تفاسیر شورای نگهبان در تفسیر اصول قانون اساسی مخصوصاً مواردی که نظام استقلال قوا را مانند اصول (۸۵) و (۱۳۸) مختل می‌کند فاقد مشروعیت و اصالت است. همچنین اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام قوانین اجرایی مربوط را تصویب کند.<sup>(۱۴)</sup> (احمدی نژاد، ۱۳۹۱)
۴. پذیرش ضمانت اجرای اصول مذکور موجب اختلال در نظم اجرایی و اداری کشور<sup>(۱۵)</sup> (بداعی، ۱۳۹۱) و نافی اختیارات مقام دوم کشور است که توسط بیش از ۵۰ درصد ملت تعیین می‌گردد. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱)
۵. باید از اصول مذکور تفسیر مضیق ارایه داد یعنی صرفاً نظارت استطلاعی رئیس مجلس مورد قبول است. (محمد نژاد، ۱۳۹۱)<sup>(۱۶)</sup> (منشی زاده، ۱۳۹۱)<sup>(۱۷)</sup> (الهام، ۱۳۹۱)<sup>(۱۸)</sup>
۶. وضع تبصره ۸ الحاقی قانون اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) نقض اصل نظارت دیوان عدالت اداری<sup>(۱۹)</sup> و ایجاد یک نهاد موازی<sup>(۲۰)</sup> محسوب می‌گردد. (منشی زاده، ۱۳۹۱)
۷. رئیس مجلس با ابلاغ مغایرت‌ها به دستگاه‌های اجرایی هم اصل سلسله مراتب اداری (بخشنامهٔ شماره ۱۱۸۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۰ رئیس‌جمهور) و هم مفاد قانونی<sup>(۲۱)</sup> (عباسی، ۱۳۹۱) را نقض می‌کند.
۸. غیر قانونی بودن تسری اختیارات ریاست مجلس از موارد اصل ۱۳۸ (تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مرکب از چند وزیر) و اصل ۸۵ (اساسنامه‌های سازمان‌های دولتی و...) به اصل ۱۲۷ (تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور) و اصل ۱۳۴ (تصمیمات هیأت وزیران در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در

وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی) و اصل ۱۲۶ (مسئولیت مستقیم رئیس‌جمهور در امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور)

۹. چنین حقی برای رئیس مجلس تقریباً در سایر نظام‌های حقوقی شناسایی نشده است.<sup>(۲۲)</sup> (بداغی، ۱۳۹۱) و (محمدنژاد، ۱۳۹۱)

۱۰. مشروح مذاکرات قانون اساسی نافی نظارت رئیس مجلس است.<sup>(۲۳)</sup> (محمدنژاد، ۱۳۹۱)

۱۱. مفهوم «تجدیدنظر» در اصل (۱۳۸) به مفهوم تجدیدنظر در نظام قضایی است یعنی اگر تصمیم و مصوبه دولت مغایر قانون بود مرجع تجدید نظر کننده حق الغاء اثر ندارد بلکه باید به دولت برای اخذ تصمیم مقتضی ارسال کند.<sup>(۲۴)</sup> (الهام، ۱۳۸۹) و (الهام، شماره خبر ۱۲۵۰۰۳، رجا نیوز)

#### ۱-۲-۱ نتایج ناشی از برداشت‌های دولت

بدیهی است که برداشت‌های مذکور اهداف و نتایجی را دنبال می‌کنند که ذیل اصول (۸۵) و (۱۳۸) را از حیز انتفاع ساقط و مانع اعمال نظر یک قوه دیگر بر تصمیمات قوه مجریه می‌گردد. نتایج این برداشت‌ها عبارتند از:

#### الف) عدم ارسال مصوبات برای رئیس مجلس

هیچ کدام از برداشت‌های مذکور در بند (۱-۱-۱) مبین این نمی‌توانند باشند که صراحت اصول مذکور بیان می‌دارد: «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد.» با وجود این عملاً دولت مصوبات را برای رئیس مجلس ارسال نمی‌کند. علی‌صدوقی دبیر هیئت دولت بیان داشته است: «ما مصوبات را غیر از ارسال به رئیس مجلس برای اداره کل قوانین و مقررات نیز ارسال می‌کنیم. حالا این که رئیس مجلس به آنها ارجاع بدهد یا ندهد بستگی به تشخیص ایشان دارد و این که اعضای هیئت تطبیق می‌گویند ما از طریق مرجع‌های دیگر از مصوبات دولت مطلع می‌شویم، باید گفت؛ اتفاقاً همین اقدام مغایر قواعد حقوقی و اداری است و آنها باید مصوبات دولت را از دفتر رئیس مجلس دریافت کنند.»<sup>(۲۵)</sup> (فارس: مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ خبر شماره: ۱۳۹۱۱۲۲۲۰۰۳۶۵) در مقابل اعضای هیئت تطبیق که بطور هفتگی بیش از ۶ ساعت به رسیدگی مصوبات دولت می‌پردازند اجماعاً اظهار می‌دارند که در پای کمتر مصوبه‌ای درج شده است: «رونوشت رئیس مجلس». به عبارت دیگر دولت مصوبات خود را برای رئیس مجلس ارسال نمی‌کند.



خباز در پاسخ به اظهارات صدوقی بیان می‌دارد: «رئیس مجلس اگر مصوبه ای دریافت کند برای ما می‌فرستد بنابراین برای رئیس مجلس نمی‌فرستند که ایشان هم چیزی به ما نمی‌دهند و ما از کانال‌های غیررسمی مصوبات را دریافت می‌کنیم. ما مجبور می‌شویم که مصوبات را از کانال‌های دیگر مانند روزنامه رسمی، دیوان محاسبات، اداره قوانین مجلس، سایت دولت و... دریافت کنیم.» (روزنامه شرق، شماره ۱۶۹۵ به تاریخ ۹۱/۱۲/۲۳، صفحه ۲)

بطور عمده مصوباتی که با ایرادات بین روبرو هستند برای رئیس مجلس ارسال نمی‌گردند همانند مصوبات استانی، مصوبات استخدامی (همانند مهر آفرین،<sup>(۲۶)</sup> استخدام ۱۵۰۰ نفر در نهاد<sup>(۲۷)</sup> و لغو استخدام شرکتی<sup>(۲۸)</sup>) و... دولت همچنین از عناوینی همچون «تفاهم‌نامه»، «توافق‌نامه» و... نیز بهره می‌گیرد تا مصوبه خود را از شمول عنوان «تصویب‌نامه» خارج و بدین ترتیب آنها را برای رئیس مجلس ارسال نکند. در حالی که طبق تبصره (۱) قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) دولت نه تنها مصوبات، بلکه باید مستندات و گزارش توجیهی مصوباتش را هم برای دولت ارسال کند: «هیأت دولت و کمیسیونهای موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مکلفند علاوه بر ارسال متن مصوبات و مستندات آن به درخواست رئیس مجلس، سوابق و اطلاعات و متن مذاکرات هیأت دولت و کمیسیونهای مربوطه را در اسرع وقت در اختیار وی قرار دهند.» همچنین در جهت تصریح به اطلاق کلیه مصوبات دولت اعم از اینکه آن مصوبه چه نامی دارد در تبصره هشتم الحاقی قانون مذکور از عبارت «تصویب‌نامه‌های مقامات مذکور» استفاده شده تا صرفاً ملاک مرجع تصویب باشد و نه عناوینی که دولت بر «مصوبات» خود می‌نهد. یک بیان برداشت غیرحقوقی دیگر عنوان می‌کند که «ذیل اصل (۱۳۸) خطاب به دولت نیست. به عبارت دیگر نگفته است که دولت باید ارسال کند بلکه بیان کرده که «به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد.» به علاوه رئیس مجلس حق ندارد مصوبه را از سایر مبادی دیگر اخذ کند چرا که مشخص نیست که دولت آیا آنرا برای اجرا ابلاغ کرده است تا لازم باشد رئیس مجلس آنرا بررسی کند؟» این برداشت به هیچ یک از قواعد و اصول حقوقی پیش‌گفته متکی نیست.

ب) عدم رعایت نظرات رئیس مجلس

نتیجه منطقی تمامی برداشت‌هایی که در بند (۱-۱-۱) گفته شد می‌تواند مستمسکی باشد در توجیه نقض قانون. چنانکه به دو روش با عدم رعایت نظرات رئیس مجلس

مواجه هستیم:

۱. عدم اجرای صریح و قطعی نظرات رئیس مجلس متأسفانه در خصوص برخی از تصویب‌نامه‌های دولت به طور صریح شاهد آن هستیم که مصوبه بعد از اعلام نظر رئیس مجلس و گذشت زمان یک‌هفته، عمداً و عالماً کما فی السابق در حال اجرا است.

خانم بداعی معاون حقوقی رئیس‌جمهور در خصوص عدم وجود ضمانت اجرای اعمال نظرات رئیس مجلس می‌نویسد: «در این اصل اجازه ملغی‌الاث‌ر نمودن مصوبه داده نشده است و پیش بینی چنین ضمانت اجرایی علاوه بر اینکه در اصل ۱۳۸ قانون اساسی پیش بینی نشده است مغایر اصل ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی که صراحتاً ابطال مصوبات دولت توسط دیوان عدالت اداری را پیش بینی کرده است می‌باشد این روش الغای مصوبات دولت موجب اختلال در نظام اداری و اجرایی کشور می‌شود... ضمن اینکه با توجه به اصل ۵۷ و ۱۲۶ قانون اساسی نیز قوه مجریه یک قوه مستقل و رئیس‌جمهور رئیس سلسله مراتب اداری است. اعمال نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت نباید مغایر این اصول باشد این وضع واقعا برای دولت و دستگاه اجرایی موجب عدم انسجام می‌شود شاید به همین دلیل است که نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت در اکثر قوانین اساسی دنیا پیش بینی نشده است.»<sup>(۲۹)</sup> بداعی توضیح می‌دهد اقدام رئیس مجلس نقض قانون اساسی است و در نتیجه رئیس‌جمهور ضمن تمرد از آن باید طبق اصل ۱۱۳ اقدام به اخطار قانون اساسی نماید: «مسئولیت نظارت بر اجرای قانون اساسی یا حمایت از قانون اساسی در بیشتر قوانین اساسی دنیا بعهدہ رئیس‌جمهور است. مقابله با نقض حقوق اساسی مهمتر از نقض قانون عادی است در حالیکه به نظر می‌رسد افراد بخاطر نقض قوانین عادی متخلف و مجرم شناخته شده و مجازات می‌شوند ولی نقض برخی از اصول قانون اساسی بویژه اصولی که به قوانین عادی راه نیافته است یا بطور ساختاری و دستگاهی و سیستمی نقض می‌شود از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست. رئیس‌جمهور به پاسداری از قانون اساسی سوگند خورده و بدیهی است نمی‌تواند نسبت به نقض قانون اساسی بی تفاوت باشد. بنابراین طبیعی ترین کاری که ممکن است انجام دهد اخطار و تذکر است البته این اخطار و تذکر باید خود قانونمند و در چارچوب صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی باشد. بی توجهی به برخی از اصول قانون اساسی یا فقدان راهکارهای اجرایی برای تامین آن مطلوب نیست.»

ظاهراً بر اساس همین استدلال‌هاست که رئیس‌جمهور بخشنامه شماره ۱۱۸۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۰ را به شرح زیر به تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ کرده است:

«رئیس‌مجلس شورای اسلامی به استناد مصوبه عادی ضمن مکاتبه با دستگاه‌های اجرایی برخی مصوبات مربوط به دولت و مراجع و مقامات دولتی که بعضاً حتی خارج از صلاحیت مصوبه یاد شده نیز می‌باشد را مغایر تشخیص داده و لغو می‌نماید.

به استناد اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی و به عنوان وظیفه اعلام می‌نماید که علاوه بر ایرادات متعدد به این اقدام و رویه، هیچ یک از اصول قانون اساسی چنین اختیاری را صراحتاً و یا تلویحاً به رئیس‌مجلس محترم و حتی مجلس شورای اسلامی اعطا نکرده است.

نظرات رئیس‌مجلس شورای اسلامی محترم است، لیکن درج در روزنامه رسمی مجوز اجرا یا عدم اجرای مصوبات دولت در دستگاه‌های اجرایی قلمداد نمی‌گردد. بنابراین مکاتبات مذکور بر خلاف نص صریح قانون اساسی بوده و فاقد وجاهت حقوقی است و نمی‌تواند مناط عمل باشد.

بدیهی است که اصلاح، تغییر و یا لغو مصوبات و بخشنامه‌های دولت و یا رئیس‌جمهور توسط خود دولت و مقامات و مراجع ذیصلاح دولتی امکان‌پذیر بوده و از طریق سلسله مراتب مقامات یاد شده ابلاغ خواهد شد. محمود احمدی‌نژاد»

این نامه چند جنبه دارد: اول اینکه دستگاه‌های اجرایی را از انجام تبعیت از نظرات رئیس‌مجلس باز می‌دارد و عملاً نافی «ملغی‌الاثرب شدن» مصوبات دولت می‌گردد. توضیح کامل را میرتاج‌الدینی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور سه روز بعد از بخشنامه در حاشیه جلسه هیأت دولت در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا در مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۳ اعلام می‌دارد: «طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، رئیس‌مجلس اجازه لغو مصوبات دولت را ندارد. در این اصل آمده تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های دولت ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس‌مجلس نیز رسانده شود تا اگر آن‌ها را بر خلاف قوانین دید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران ارسال کند. با توجه به این اصل، رئیس‌مجلس اگر مصوبه‌ای را خلاف قانون می‌بیند باید آن را با ذکر دلیل به هیأت وزیران ارسال کند و نمی‌تواند آن را لغو کند.» وی بخشنامه مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۰ را نیز در این راستا ارزیابی می‌کند: «ما باید اصل ۱۳۸ قانون اساسی در این راستا را مبنا قرار دهیم و بخشنامه اخیر رئیس‌جمهور به دستگاه‌های دولتی نیز در این راستا بوده است.»<sup>(۳۰)</sup> (مشرق، شماره خبر:

۱۱۶۳۷۳ و عصر ایران، شماره خبر: ۲۱۲۳۰۲) این تحلیل را غلامحسین الهام در مورخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۱ چنین تبیین می‌کند: «پایه اصلی این بحث قانون اساسی است و در اصول ۸۵ و ۱۳۸ آمده: «مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.» همچنین «تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.» این دو اصل صراحت دارند که تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت «ضمن ابلاغ برای اجرا» به اطلاع رئیس مجلس می‌رسد یعنی وقتی دولت مصوبه‌ای را وضع کرد، ابلاغ می‌شود و در دستگاه‌های مربوط باید اجرا شود و هم عرض این اقدام برای اطلاع برای رئیس مجلس فرستاده می‌شود. یعنی نظارت رئیس مجلس استتلاعی است. همچنین تأکید شده است، رئیس مجلس اگر آئین‌نامه و مصوبه را خلاف قوانین عادی دید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران برگرداند. در واقع رئیس مجلس اول باید استدلال کند که چرا مطلب مورد نظرش خلاف قانون عادی است و به دولت برگردانده شده تا دولت در آن تجدیدنظر کند. این اصل روشن و معنایش این است که اعتبار مصوبه دولت با ایراد رئیس مجلس ساقط نشده و مصوبه باطل نمی‌شود. بر این اساس وظیفه و تکلیفی برای دولت هست تا در تصویب‌نامه یا آئین‌نامه خود تجدیدنظر کند. در واقع مرجع تجدیدنظر و اصلاح آئین‌نامه خود دولت است.»<sup>(۳۱)</sup> (رجا نیوز، شماره خبر ۱۲۵۰۰۳) الهام ادامه می‌دهد: «رئیس مجلس به محض اینکه مصوبه‌ای را مغایر می‌داند در روزنامه رسمی به‌عنوان نهاد رسمی انتشار قوانین و مقررات رسمی کشور منتشر می‌کند و این توجیه حقوقی ندارد؛ نشر در روزنامه رسمی آن هم نظری که نهایی نیست، خود خلاف اصول است... این اقدام ممکن است در اجرا تشکیک و تردیدی بر خلاف قانون ایجاد کند و نظم را در کشور مختل کنند» (همان) در واقع این دست از حقوقدانان خود را به فرآیند صدور نظر رئیس مجلس به تغافل زده‌اند چرا که نظر رئیس مجلس بدهتاً صادر نمی‌شود بلکه هر مصوبه بعد از جلسات متعدد کارگروهی در جلسه عمومی «هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» با حضور مشاورین و کارشناسان حقوقی و مالی مطرح و در صورتی که مغایر شناخته شود در قالب رأی

مقدماتی به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌گردد تا اگر نص و یا مسئله خاصی نسبت به مفاد رأی دارند اعلام کنند، مدت قانونی این مهلت یک هفته است ولی عملاً دبیر هیئت در جهت تعامل با دستگاه‌های اجرایی مربوط و معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، مهلت را به بیش از یک ماه تمدید می‌کند. اگر پاسخ مدلل و مستندی به هیئت واصل شد به آن ترتیب اثر داده شده و در غیر اینصورت متن رأی در قالب «نظر رئیس مجلس» تنظیم می‌گردد. چنین فرآیندی نشان از جدیت سازوکار مزبور در جهت اجرای تعاملی و دقیق «حاکمیت قانون» دارد. به علاوه آنکه همانطور که مطابق مواد (۵)<sup>(۳۲)</sup> و (۱۱)<sup>(۳۳)</sup> قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸) مصوبات دولت باید در روزنامه رسمی منتشر شود باید الغاء و اصلاح آن نیز در جهت تضمین این حق در روزنامه رسمی منتشر گردد.

برداشت دیگری که دولت را ناخودآگاه به عدم اتباع از نظرات رئیس مجلس سوق می‌دهد تفسیر سلیقه‌ای از قانون است. در واقع ذیل اصول (۸۵) و (۱۳۸)؛ و همچنین ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره چهارم آن به صراحت دولت را ملزم به «تجدید نظر» و اصلاح؛ و در غیر اینصورت ملغی‌الاثربودن بخش‌های مورد ایراد مصوبه می‌کند. در حالی که حقوقدانان با سابقه‌ای همچون الهام با بی‌توجهی به مفاد قانونی اینگونه ابراز می‌کنند: «رئیس مجلس می‌تواند با استدلال، نظر خود را به دولت اعلام کند و هرگونه تجدید نظر یا لغو مصوبه بر عهده خود دولت است که هم اصل تفکیک قوا این را تأیید می‌کند و هم اصل ۱۳۸ به آن تصریح دارد.» (همان)

## ۲- عدم اجرا با احیاء ضمنی

در مورد برخی مصوبات، دولت بصورت فعال اقدامی در نادیده گرفتن نظر رئیس مجلس صورت نمی‌دهد بلکه مصوبه ملغی‌الاثربودن را در قالب یک مصوبه جدید<sup>(۳۴)</sup> همچنان حاکم و جاری می‌داند. با این اقدام دولت دستگاه‌های اجرایی را به این باور می‌رساند که احتمالاً از مصوبه ملغی‌الاثربودن، رفع اثر شده و همچنان آن مصوبه مجری است. هرچند که دبیر هیئت دولت ظاهراً عقیده دیگری دارد: «بررسی تطبیق مصوبات دولت با قانون یک عمل حقوقی است که گاهی اوقات ممکن است آنها تشخیص بدهند مصوبه‌ای با قانون مغایرت دارد و آن را برای ما ارسال می‌کنند و ما هم در دولت بررسی و در صورت لزوم اصلاح می‌کنیم و اگر اصلاح هم نکردیم، خود به خود لغو می‌شود.» (فارس: مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ خیر شماره: ۱۳۹۱۱۲۲۲۰۰۳۶۵)

### ۱-۲- تحلیل استدلال‌های دولت ناظر به مفاد اصول (۸۵) و (۱۳۸)

در تمامی نظام‌های حقوقی اصل «حاکمیت قانون» حداقل به مفهوم شکلی پذیرفته و بدیهی است به این معنا که همه (چه فرمانداران و چه فرمانروایان) باید مفاد قوانین را رعایت نمایند و همچنین میان قوانین اصل سلسله مراتب هنجارها حاکم است یعنی قواعد مادون الزاماً باید قوانین و مقررات مافوق را رعایت کنند. در این میان بیش از همه، مقامات اجرایی که اختیارات محدودی در قاعده‌گذاری دارند باید مصوبات و آیین‌نامه‌هایی را که تصویب می‌کنند مبتنی بر «آنچه قانون می‌گوید»<sup>(۳۵)</sup> باشد یا حداقل هیچ مغایرتی با مفاد یا اهداف قوانین نداشته باشد. (AJDA, 2004: 357) این همان ایده‌ای است که از ابتدا در اصول متعددی از قانون اساسی مخصوصاً اصول (۱۲۶) و (۱۷۳) قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ نمود یافت و در اصلاحات سال ۱۳۶۸، قانونگذار قانون اساسی با تمام تغییرات ساختاری قوه مجریه، به شدت بر آن تأکید نمود. (مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۰: ۹۹۳-۱۰۱۰) علیهذا در نظام حقوقی ایران دو نهاد به نظارت بر تصویب‌نامه‌های دولت می‌پردازند: دیوان عدالت اداری که همه تصمیمات همه مراجع دولتی و عمومی را به شرط شکایت مطابق اصل (۱۷۳) بررسی می‌کند؛ و رئیس مجلس شورای اسلامی که فقط تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران موضوع اصول (۸۵) و (۱۳۸) و یا هر مصوبه‌ای که ماهیت تصویب‌نامه داشته و مصوب مقامات مذکور در این اصول باشد<sup>(۳۶)</sup> را رسیدگی می‌کند.<sup>(۳۷)</sup> در این فرآیند اگر رئیس مجلس مصوبه‌ای را مغایر قانون اعلام کند مصوبه مطابق صدر ماده واحده اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) و همچنین تبصره چهارم آن فاقد اعتبار می‌شود و مطابق تبصره (۸) الحاقی دیگر موضوعی نیست که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آن را داشته باشد و در هر حالت نظر رئیس مجلس بر دیوان حاکم است.

نظارت رئیس مجلس تکمیل‌کننده فرآیند نظام «تعادل و نظارت» در مدل تفکیک قوا می‌باشد. گرچه در این نظارت کاستی‌هایی وجود دارد علی‌الخصوص اینکه چرا اختیار رئیس مجلس شامل سایر نهادهای مقررگذار حکومتی نشده است و به همین جهت صیانت از حاکمیت قانون و نظام تعادل و نظارت با خللو کاستس فقدان نظارت مواجه می‌گردد. گرچه متأسفانه در همین مقدار مصرح قانون اساسی نیز دچار نافرمانی و برداشت‌های غیرحقوقی هستیم.

جدول زیر رسیدگی رئیس مجلس را به تصویب‌نامه‌های حاصله (از منابع مختلف با توجه به عدم ارسال تمام مصوبات توسط دولت) طی یک دههٔ اخیر نشان می‌دهد:

سال	تعداد مصوبات حاصله <sup>(۳۸)</sup>	مغایرت	عدم مغایرت	درصد مغایرت
۱۳۹۱ (تا اردیبهشت ۹۲)	۷۰۰	۷۵	۴۲۰	۱۰,۷٪
۱۳۹۰	۹۰۶	۱۷۷	۶۲۱	۱۹,۵٪
۱۳۸۹	۹۴۱	۲۹۹	۶۳۳	۳۳٪
۱۳۸۸	۸۵۴	۱۳۹	۵۵۳	۱۶,۲٪
۱۳۸۷	۹۷۶	۹۴	۵۰۴	۹,۶٪
۱۳۸۶	۱۳۰۳	۷۲	۸۰۴	۵,۵٪
۱۳۸۵	۲۴۵۶	۵۴	۸۰۶	۲,۱٪
۱۳۸۴	۱۸۶۸	۱۲۱	۸۳۶	۷,۷٪
۱۳۸۳	۱۲۷۹	۹۹	۱۰۰۳	۷,۷٪
۱۳۸۲	۱۱۱۳	۱۲۳	۸۰۳	۱۱٪
۱۳۸۱	۱۳۹۸	۹۷	۸۶۲	۶,۹٪
۱۳۸۰	۱۰۷۷	۶۲	۸۵۵	۵,۷٪

#### ۱-۲-۱- مطالعه تطبیقی

همانطور که گفتیم عدهٔ معدودی از حقوقدانان ادعا می‌کنند که چنین نظارتی در سایر نظام‌های حقوقی سابقه ندارد. البته آنها منکر لزوم بررسی برای انطباق مصوبات دولت نمی‌شوند بلکه بیان می‌کنند که این نظارت باید صرفاً توسط یک مرجع قضایی مانند دیوان عدالت اداری صورت گیرد. در پاسخ باید گفت بدون تردید باید دو بحث را از هم تفکیک کرد. اول اینکه آیا تصویب‌نامه‌های دولت باید منطبق و مطابق قانون باشند و برای تضمین این تطابق مرجعی لازم است؟ دوم اینکه این مرجع آیا می‌تواند یک نهاد سیاسی همانند مجلس و رئیس آن باشد؟

براستی پاسخ سوال اول میان همه حقوقدانان به عنوان یک فرض بدیهی مثبت است ولی آیا می‌توان این نظارت را به مرجعی سیاسی داد؟ در پاسخ باید گفت اولاً مجلس و اجزاء آن در کنار شأن قانونگذاری دارای شأن نظارتی هم هستند. شأنی که بسیاری از حقوقدانان معتقدند باید بر قانونگذاری اولی باشد. کما اینکه در بسیاری از کشورها وظیفه اصلی مجلس نظارت بوده و از ابزارهای متعددی در این زمینه بهره‌مند است. (Yamamoto, 2007, p:11) به علاوه آنکه سازوکار نظارت، ضرورتاً نباید گزیده برداری از سایر کشورها باشد بلکه مهم کارآمدی ابزار برای تأمین هدف است. بر همین اساس این

شأن در مشروح مذاکرات مجلس بازننگری آن هم در جلسات ابتدایی مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>(۳۹)</sup> ثانیاً، سیاسی بودن خصوصیت نظام «تعادل و نظارت» برای تضمین صحت کارکردهای نهادی هر قوه است. به عبارت دیگر وقتی دو قوه از سه قوه ماهیت سیاسی دارند ما در حال بحث از نظام «تعادل و نظارت» و حتی پاسخگویی قوه مجریه به قوه مقننه حتی در حد رئیس‌جمهور (اصل ۱۲۲ قانون اساسی) هستیم و باید رئیس‌جمهور، هیئت وزیران و هر یک از وزراء به یک نهاد سیاسی از طریق سوال و استيضاح پاسخگو باشند، قطعاً پاسخگویی ناظر به رفتار و تصمیمات و عملکردشان است. به علاوه آنکه در اینجا سیاسی بودن نهاد مجلس یا رئیس آن مجوزی برای عمل سلیقه‌ای نیست بلکه به نمایندگی از خصوصیت صلاحیت انحصاری مجلس در قانونگذاری و فهم قانون (تبصره ۲) ماده واحده، این رئیس مجلس است که برای تضمین رعایت قوانین «با ذکر دلیل» موارد مغایرت را به رئیس‌جمهور اعلام می‌کند. مغایرتی که متکی به مجموعه‌ای از کارشناسان عضو هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین است. این نهاد مشورتی متشکل از مجموعه‌ای از متخصصان حقوقی و مالی است که در جهت اتقان نظرات، از معاونین وزراء و متخصصین دولتی استفاده می‌شود.<sup>(۴۰)</sup> ایت هیئت در ابتدا هر مصوبه را بررسی مقدماتی کرده و برای دولت ارسال می‌کند تا اگر دولت مبتنی بر نص یا مصلحت خاص قانونی اقدام به تصویب مصوبه مزبور کرده است هیئت و رئیس مجلس آنرا هم لحاظ نمایند و در صورت وجود نص قانونی از مغایرت مقدماتی و غیر قطعی عدول کنند. (غمامی، ۱۳۹۰: ۴۳۷-۴۳۵) و اتفاقاً چنین عملکردهای نظارتی مبناء مشابهی در سایر کشورها دارد. چنانکه در فرانسه نیز نهادهای با ماهیت سیاسی این وظیفه را انجام می‌دهند: الف) اولین نهاد خود پارلمان (مجلس و سنا) است که در فرانسه مطابق ماده (۶۷) قانون ۲۰۰۴-۱۳۴۳ مورخ نهم نوامبر ۲۰۰۴<sup>(۴۱)</sup> این وظیفه را بر عهده دارد. به این ترتیب که در یک دوره حداکثر ۶ ماهه از تصویب یک قانون دولت موظف است گزارشی را به مجلس بدهد که ناظر به کلیه آیین‌نامه‌ها و مصوبات دولت در آن مورد است. به این ترتیب که «آیا دولت مر و عین آنچه قانونگذار گفته است را به اجرا درآورده است؟ آیا مفاد مقررات دولت ضروری است و آیا اهداف قانون<sup>(۴۲)</sup> تأمین شده است؟» به این ترتیب دولت دو وظیفه اساسی دارد اول اینکه تصویب‌نامه‌های الزامی را حداکثر شش ماهه تصویب کند و دوم اینکه مصوبات منطبق بر مفاد و روح قوانین باشد. وظیفه این اعمال نظارت بر عهده



کمیسیون نظارت بر اجرای قوانین<sup>(۴۳)</sup> است. گزارش منتشره توسط این کمیسیون (هم در سنا و هم در مجلس) علاوه بر فاقد اعتبار کردن تصویب‌نامه‌های مغایر قوانین، اعلام عمومی هم می‌شود.

ب) در نظام حقوقی فرانسه تصویب‌نامه‌های دولت قبل از تصویب نیازمند مشورت الزامی با شورای دولتی<sup>(۴۴)</sup> هستند. این مشورت گرچه صرفاً مشورت است ولی موجب اتقان مصوبات دولت می‌شود و یک نظارت پیشینی به شورای دولتی می‌دهد که امکان ابطال مصوبات مغایر قانون مخصوصاً مواردی که هیئت وزیران به نظر شورا عمل نکرده‌اند را فراهم می‌کند. از وظایف بدون تردید مجلس، نظارت است.

#### ۲-۲-۱- تفسیر لازم‌الاجرا برای طرد برداشت‌های شخصی

به تبع ابهامات و شبهات مطروح توسط برخی حقوقدانان، نهایتاً شورای نگهبان در جهت اصرار بر مفهوم «بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین» و «برای تجدید نظر» ذیل اصول (۸۵) و (۱۳۸) به عنوان ضمانت اجرای حاکمیت قانون و بنا به درخواست هیأت عالی حل اختلاف میان قوا به تفسیر ذیل اصول مذکور، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۰ نظریه تفسیری خود را به شرح زیر اعلام کرد. «هیأت وزیران پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مکلف به تجدیدنظر و اصلاح مصوبه خویش است؛ در غیر این صورت پس از گذشت مهلت مقرر قانونی، مصوبه مورد ایراد ملغی‌الاثرب خواهد شد.» (نظریه شماره ۷۳۲/۳۰/۹۱/م تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۰، پورتال شورای نگهبان)

#### ۲- مغایرت‌های مربوط به محتوای تصویب‌نامه‌ها

برخی از مغایرت‌های تصویب‌نامه‌های دولت نه به جهت برداشت‌های اخیراً مطرح شده بلکه به دلیل مسائلی است که دولت‌های گذشته نیز با آن روبرو بوده‌اند. این مسائل بیشتر به محتوای مصوبات و مفاد مقررات مربوط مرتبط است.

#### ۲-۱- عدم دقت دولت به احکام قانونگذار

در مواردی شاهد آن هستیم که دولت از کلیات یک قانون مطلع است ولی خود را از دقت در مفاد و شمول آن معاف می‌داند و یا از این حیث دقت لازم را اعمال نمی‌کند. تضییق یا توسعه شمول احکام و شرایط قانون<sup>(۴۵)</sup> و یا عدم تصریح به الزامات مقتضی<sup>(۴۶)</sup> و عدم رعایت تشریفات قانونی<sup>(۴۷)</sup> این دست است.

## ۲-۲- فشارها و خواست‌های اجتماعی و گروهی

در مواردی دولت بنا به یک سری از فشارها و ضرورت‌های اجتماعی قصد می‌کند تا مصوباتی را مغایر با قانون و یا بر لبه ابهام آمیز آن وضع نماید. عمده این مصوبات در سفرهای استانی تصویب می‌شوند. به این ترتیب که دولت فارغ از مطالعات کارشناسی، وعده‌ها و تصمیماتی اخذ می‌کند که دارای بار مالی پیش بینی نشده (مواد ۲۹ و بند (ت) ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و قوانین سلف آن) است و با ایرادات بودجه‌ای (ماده ۷ قانون محاسبات عمومی کشور) روبرو است.<sup>(۴۸)</sup> به علاوه مصوبات بسیار زیاد مربوط به تبدیل وضعیت از قراردادی به رسمی از این دسته می‌باشند.<sup>(۴۹)</sup> همچنین مصوبه جنجال آمیز دولت در الزام دستگاه‌ها به تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به قراردادی نیز با توجه به استدلال‌های متعدد هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین در خصوص مغایرت با مفاد متعددی از مواد قانون مدیریت خدمات کشوری (از جمله مواد ۱۳، ۱۷ و...) نیز ناشی از فشارها و خواست‌های اجتماعی است که دولت را بر آن می‌دارد بدون درخواست برای تغییر و اصلاح مفاد مذکور قانونی (لایحه) که بعضاً در قالب یک سیاست دنبال می‌گردند (سیاست کوچک سازی دولت) به یک خواسته بر خلاف مصالح عمومی و قانونی پاسخ دهد.

این موضوع در خصوص اعطای امتیاز به برخی اقشار و افراد نیز در این قالب قابل تحلیل است برای مثال اعطای حقوق و مزایای هنگفت اعضای هیئت مدیره موسسات و شرکت‌های دولتی<sup>(۵۰)</sup> و یا ورود خودرو برای افراد خاص و شرایط تبعیض آمیز.<sup>(۵۱)</sup> در این میان مصوبات دولت در خصوص تولید خودروهای فاقد استاندارد نیز با توجه به حمایت دولت از این صنعت و انحصاری کردن آن همواره با فشار خودروسازان و نیاز عمومی ناشی از عدم امکان انتخاب و بازار انحصاری روبرو بوده است.<sup>(۵۲)</sup>

## ۲-۳- اصرار دولت بر اعمال غیر قانونی

منظور از اصرار دولت بر اعمال خلاف مندرجات قانون آن است که مصوبه و یا تصمیم دولت آشکارا حکمی از احکام قانونگذار را هرچند شکلی نقض می‌کند. نتیجه این قانون شکنی که البته ممکن است به دلیل عدم اطلاع از مفاد قانون رخ دهد می‌توان نظام اداری - اقتصادی کشور را مختل نماید. برخی از مهمترین موارد شایع عبارتند از:  
الف) در برخی مصوبات علی‌الخصوص مصوباتی که قانونگذار برای تأمین مصالحی

تصریح به اخذ پیشنهاد یا تأیید مرجعی رسمی و دستگاه معینی کرده، دولت خود را بی‌نیاز از اخذ پیشنهاد یا تأیید مذکور می‌داند. این فقدان پیشنهاد<sup>(۵۳)</sup> یا تأیید بطور خاص در مورد نهادهای مستقل از قوه مجریه بیشتر تکرار می‌شود گرچه یک فرآیند شکلی - تشریفاتی به نظر می‌رسد ولی بدون تردید جوانبی که قانونگذار ملحوظ داشته بواسطه عدم رعایت این مفاد آلی مغفول خواهد ماند. همین رویه دولت در مواردی نیز باعث اخلال در تصمیم‌گیری برخی نهادها شده است چنانکه دولت به جای آنها تصمیم‌گیری می‌کند<sup>(۵۴)</sup> یا صلاحیت آنها را مختل یا مقید می‌کند.<sup>(۵۵)</sup>

ب) از طرف دیگر در برخی مصوبات احکام قانونگذار به نحو ماهوی در مصوبه رعایت نمی‌شود به این ترتیب که مفاد مصوبه مکانیزم و فرآیندی فارغ از فرآیند مورد نظر قانونگذار را ارایه کرده است برای مثال در مصوبات و اساسنامه نهادها و شرکت‌ها بطور مکرر شاهد عدم رعایت الزامات مربوط به قانون برگزاری مناقصات (بویژه مسئله معاملات متوسط و بزرگ و ترک تشریفات)<sup>(۵۶)</sup> و یا قانون محاسبات (بویژه مسئله عدم استفاده از محل اعتباری مصوب مربوط،<sup>(۵۷)</sup> تأمین بار مالی<sup>(۵۸)</sup> و عدم واریز درآمدها و وجوه به خزانه<sup>(۵۹)</sup>) و همچنین اجرای عادلانه قانون مدیریت خدمات کشوری<sup>(۶۰)</sup> هستیم.

از نمونه‌های خاص و بارز اصرار دولت بر خروج از قانون مسئله سازمان تأمین اجتماعی است که البته نگارش بسیار بی‌دقت قانونگذار بر امکان سوء استفاده از فرصت ایجاد شده موثر بوده است. از یک طرف مفاد اساسنامه سازان مذکور برای انتصاب یک فرد دچار تغییرات می‌گردد و از سوی دیگر وظایف و اختیارات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به معاون اول رئیس‌جمهور تفویض می‌گردد.<sup>(۶۱)</sup>

#### ۲-۴- تأکید بر تبعیض و تخفیف‌ها

دولت در موارد بسیاری اقدام به صدور مصوباتی می‌کند که مبنای عدالت در آنها با اعطای امتیاز و ترجیح و تخفیف نقض می‌گردد. برای مثال تبصره «۱» ماده (۱۱۷) قانون برنامه پنجم و بند «۵» ماده (۱۲) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که هرگونه تبعیض را محکوم می‌کند.<sup>(۶۲)</sup>

#### ۲-۵- اصلاح مصوبه توسط مقام فاقد صلاحیت

چنانکه آوردیم، رئیس‌جمهور در ذیل بخشنامه شماره ۱۱۸۰۱، اصلاح مصوبات دولت را از طریق سلسله مراتب و نه اعلام نظر رئیس مجلس ممکن دانسته است. اما عملاً بعد از

اعلام مغایرت توسط رئیس مجلس، بسیاری از مصوبات را دبیر هیئت دولت رأساً خود اصلاح می‌کند. دبیر مذکور که بعضاً تحت عنوان «اشکال تحریری»، اقدام به اصلاح مصوبات دولت<sup>(۶۳)</sup> و رفع مغایرت<sup>(۶۴)</sup> می‌کند مورد اعتراض رئیس مجلس قرار گرفت به این ترتیب که «اخیراً مشاهده می‌گردد که بعد از ابلاغ نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مبنی بر مغایر دانستن تمام یا قسمتی از مصوبه با قانون، دبیر محترم هیأت دولت، با اعمال اصلاحات شکلی یا محتوایی، در صدد ابلاغ نظرات دولت به دستگاههای اجرائی و انتشار آن در روزنامه رسمی بر می‌آید. از آنجا که این امر با قطع نظر از اقدام دبیر محترم هیأت دولت در بررسی‌ها و اعلام نظرها که در جای خود شایسته تقدیر و تشکر است، چون در چارچوب قوانین موضوعه نمی‌باشد و تا قبل از وصول جوابیه رسمی هیأت محترم وزیران یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر، متضمن اعمال اصلاحات و رفع ایرادات و صدور مصوبه اصلاحی در موعد مقرر قانونی رافع ایرادات نخواهد بود، علیهذا، نظرات و آراء ابلاغی رئیس مجلس شورای اسلامی مبنی بر مغایر دانستن تمام یا قسمتی از مصوبه از جمله راجع به تصویب‌نامه‌های ذیل، کماکان به قوت خود باقی است و نامه‌های دبیر محترم هیأت دولت، قانوناً رافع ایرادات و مغایرت‌های اعلامی و حسب مورد نافی مسئولیت هیأت محترم وزیران یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر مبنی بر صدور مصوبه‌های اصلاحی نمی‌باشد.»<sup>(۶۵)</sup>

## ۲-۶- عدم بیان مستندات و اطلاعات مربوط به مصوبات

بدون تردید بخش عمده‌ای از مصوبات دولت مصوباتی است که دولت مطابق اصل (۱۳۸) به عنوان «آیین‌نامه‌های اجرایی» اقدام به وضع آن کرده است ولی غیر از آنکه در ارسال مصوبات بطور جدی تعلق می‌نماید: «هیأت دولت و کمیسیونهای موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مکلفند علاوه بر ارسال متن مصوبات و مستندات آن به درخواست رئیس مجلس، سوابق و اطلاعات و متن مذاکرات هیأت دولت و کمیسیونهای مربوطه را در اسرع وقت در اختیار وی قرار دهند.» به این ترتیب برخی موارد مغایرت رئیس مجلس به جهت عدم اطلاع از مصالح و نصوص مورد نظر دولت است. در حالی که وجود مستند و اطلاعات مذکور اگر در اختیار رئیس مجلس در قالب یک پیوست الزامی قرار می‌گرفت مغایرت اخذ نمی‌شد و یا کیفیت آن به وجه دیگری بود. تمامی مصوبات استانی با این کاستی روبرو هستند.

## ۲-۷- عدم اشراف دولت به قوانین و اسناد لازم‌الاجرا

بخشی از مغایرت‌های تصویب‌نامه‌ها به مغایرت‌های قانونی بعضاً بینی برمی‌گردد که در حالت خوشبینانه آنرا نمی‌توان قصد عمدی بر نقض قوانین قلمداد کرد.<sup>(۶۶)</sup> این موارد بطور خاص در مصوبات استانی هیئت وزیران که فوری و بدون کارشناسی مکرراً دیده می‌شود. در حالی که لازم است همواره متن مصوبات قبل از امضا و ابلاغ از جهت رعایت قوانین، تفاسیر شورای نگهبان<sup>(۶۷)</sup> و سیاست‌های کلی مورد دقت قرار گیرند.

## ۳- مشکلات ناظر به قانون

از ویژگی‌های یک قانون خوب آن است که جامع، صریح و بدون ابهام وضع شود و موارد منسوخ خود را معین نماید. این ویژگی متأسفانه در بسیاری از قوانین وجود ندارد، و هیئت وزیران و هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین را نیز با مشکلات متعددی روبرو می‌سازد. برای مثال در خصوص بررسی مصوبات هیئت وزیران با احکام قانون بودجه علی‌الخصوص بندهای ۳۳ و ۳۶ قانون بودجه ۱۳۹۰ و بند ۳-۲۴ قانون بودجه ۱۳۹۰ که امکان تأدیه بدهی‌های دولت را از طریق واگذاری‌ها و یا تهاتر داده است همواره بواسطه ابهامات متعدد قانونی در معرض قرار داده است. همچنین احکام متعارضی که در بندهایی از بودجه می‌آورد که تمامی قواعد حاکم بر دستگاه‌های اجرایی را مختل می‌کند همانند بندهای (۹۱) و (۹۹) قانون بودجه ۱۳۹۰ که معلوم نمی‌کند ما صندوق تأمین اجتماعی داریم یا سازمان تأمین اجتماعی؟ همین ابهام در اصلاح اساسنامه سازمان مذکور به نقض تبصره «۲» ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی به بهانه اصلاحیه ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری منجر می‌گردد.<sup>(۶۸)</sup> به مجموعه مغایرت‌های مربوط به قانون بودجه باید ردیف‌های فاقد حکم در ماده واحده را که در پیوسته‌ها قانون درج می‌شوند را اضافه کرد. در خصوص این ردیف‌ها مجلس سخت‌گیری لازم را به عمل نمی‌آورد و دولت از این موضوع مطلع است برای مثال بودجه مربوط به طرح آتیه مهر امام رضا و یا پرداخت حقوق و مزایای مربوط به خانواده شهدا و یا بندهایی که ذیل برخی جداول بصورت حکم درج می‌شوند از جمله مشکلات مربوط به قانون بودجه و مغایرت‌هایی است که مورد ایراد هیئت است.

همین بحث در خصوص ابهامات ناشی از استثنائات مبهم قانون در زمینه اختیارات دولت در امور اداری، مالی، استخدامی و معاملاتی نیز وجود دارد برای مثال به اساسنامه و مصوبات نهادهایی چون صندوق توسعه ملی، صندوق نوآوری و شکوفایی و سازمان تعزیرات حکومتی می‌توان اشاره کرد.

همچنین عدم جامعیت قانون نیز خود از مسائلی است که واضح مصوبات را با سردرگمی روبرو می‌کند. هیئت بررسی مصوبات را با دقتی از حیث شمول و یا عدم شمول مفاد قانونی نسبت به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی یا عمومی انجام می‌دهد. برای مثال چگونه نهادهای عمومی غیر دولتی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌شوند؟ حکم مواد (۵) قانون محاسبات، (۳) و (۱۱۷) قانون مدیریت خدمات و (۲۲۲) قانون برنامه پنجم توسعه چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ چرا مزایده‌ها فاقد حکم صریحی همانند بند (ب) ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات (۱۳۸۳) هستند به عبارت دیگر چرا الزامات مشخصی از حیث جامعیت شمول بر تمامی معاملات اشخاص و نهادهای دولتی و عمومی در خصوص مزایده وجود ندارد؟ و...

از جمله دیگر مشکلات احکام مبهم قانونگذار در انتهای قوانین است که حکم به موقوف الاجرا کردن و یا نسخ کردن تمامی احکام مغایر با مفاد خود را صادر می‌کند. در واقع قانونگذار مشکل یک تحقیق جدی را با تمام ابهامات، استثنائات و احکام و دستگاه‌های لازم به ذکر نام را بر عهده مخاطبان و ناظران می‌گذارد. این در حالی است که مخاطبان آن هم بواسطه این ابهام و سایر پیچیدگی‌های مفاد قانونی از یک نظر واحد برخوردار نمی‌شوند.

در هر صورت ابهامات و عدم دقت قانونگذار در امر قانونگذاری باعث مفاسد اقتصادی و ناکارآمدی حوزه اقتصاد و امور مالی می‌شود. بطور خاص عدم اهتمام قانونگذار به بودجه‌های خارج از شمول و نهادهای مستثنی از شمول قانون از این دسته‌اند. بطور مثال مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که بودجه آنها در بودجه کل کشور درج نشده و متأسفانه قانونگذار امکان نظارت دیوان محاسبات بر آنها را نیز با ابهام روبرو کرده است.<sup>(۶۹)</sup>

### جمع‌بندی

در واقع در خصوص اعمال نظارت بر مصوبات دولت، این دولت است که باید با شناخت جایگاه خود در نظام حاکمیت قانون پیشاپیش پذیرای اعمال نظارت یک نهاد قانونی دیگر بر مصوبات خود باشد کما اینکه بسیاری از این مصوبات فاقد کارشناسی لازم توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری و یا دستگاه اجرایی مربوط است و از این جهت یک تعامل مفید در راستای تضمین کارکردی حاکمیت قانون در کشور بوجود می‌آید. در این مقاله به اجمال به تحلیل دو دسته عمده از علل مغایرت مصوبات دولت پرداختیم. دسته‌ای از علل که ناشی از برداشت خلاف نص و روح قانون در پذیرش حاکمیت قانون توسط دولت است. و بدون تردید عدم پذیرش مطلوبیت یک قاعده حقوقی نمی‌تواند مستمسکی برای عدم اجرای آن باشد که متأسفانه دولت و حقوقدانان منتسب به آن با استدلال‌های شاذ بر این امر اصرار می‌ورزند؛ و دسته‌ای از علل که به ماهیت و محتوای مصوبات و قوانین بر می‌گردد. این دسته اخیر از یک جهت ناشی از ضعف کارشناسی دولت در امر مقررات‌گذاری مطابق و با رعایت قوانین است و از جهت دیگر بواسطه مقتضیات و برنامه‌هایی است که دولت به دنبال اجرایی کردن آن به هر قیمتی است. از سوی دیگر در فرآیند نظارت برخی ایرادها نیز به مشکلات مربوط به قانونگذاری در ایران از جمله ابهام، اجمال و یا تضادهای منجر به نسخ ضمنی مفاد تقنینی برمی‌گردد. در هر صورت اگر بنای هر دو قوه بر تعاون و همکاری بین قوه‌ای باشد می‌توان شاهد کاهش عمده مغایرت‌ها و افزایش کیفیت قانونگذاری و مقررات‌گذاری در کشور باشیم، بدون اینکه صلاحیت‌های قانونی یکدیگر و سایر نهادهای ناظر به چالش‌های غیر حقوقی کشانده شود.

## یادداشت‌ها

- ۱- بند (۲۱) و (۲۳) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز.
- ۲- برای مطالعه ادله الزامی بودن سیاست‌های کلی نظام بنگرید به: اسماعیلی، محسن؛ طحان نظیف، هادی (۱۳۸۷) تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، زمستان: ۹۳-۱۲۷.
- ۳- در این زمینه مراجعه کنید به پیام نوروزی سال ۱۳۷۳ مقام معظم رهبری در سال «وجدان کار و انضباط اجتماعی»؛ و همچنین بیانات ایشان در دیدار با جوانان خراسان شمالی و بیان سبک زندگی قانونمدار مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- ۴- چنانکه ذیل ماده ۳۴ قانون اساسی فرانسه به دولت صلاحیت تقنینی هم داده است.
- ۵- نظریه شماره ۲۳۶۰ مورخه ۱۳۶۳/۱۰/۵: «... مستفاد از اصل ۱۲۶ قانون اساسی این است که قبل از اعلام نظر رئیس‌جمهور مصوبه رسمیت اجرایی ندارد.»
- ۶- نخست وزیر دو دوره منتج به بازنگری قانون اساسی که همواره مصوبات دولت او تحت نظارت رئیس‌جمهور بود بیان می‌کند: «پس از حذف نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور رئیس قوه اجرائی و رئیس دولت شده و مصوبات دولت معمولاً به شدت متأثر از نظر اوست. عملاً ممکن نیست که رئیس دولت، مسوول بررسی مصوبات دولت باشد که آیا مطابق قوانین هست یا نه. برای جلوگیری از انحرافی که ممکن است پیش آید و مصوبات دولت از قوانین و حتی قانون اساسی فاصله بگیرد، به فکر تعیین مرجع دیگری به جای رئیس‌جمهور برآمدیم چون قبلاً رئیس‌جمهور در موضع بالاتری از رئیس دولت قرار داشت می‌توانست این مسوولیت را برعهده بگیرد و تاکنون همین‌طور عمل می‌شد و دو تا سه درصد مصوبات دولت رد می‌شد و دولت به خاطر این مراقبت تلاش می‌کرد که مصوباتش منطبق بر قوانین باشد.» (موسوی، ۱۳۸۰: ۹۸۵-۹۸۴) به علاوه وی در خصوص ابقاء رئیس‌جمهور به عنوان کنترل‌کننده مصوبات هیئت وزیران بعد از حذف نخست‌وزیر و یا کفایت نظارت دیوان عدالت اداری اظهار می‌دارد: «بر اثر کثرت کارها و اشتغالات فکری، گاهی هیأت وزیران، چیزی را تصویب می‌کند که خلاف قانون است و متوجه هم نیست. هیأت دولت، هفته‌ای چهل مصوبه دارد که فقط بعضی از آنها به دیوان عدالت می‌رود. خواسته‌اند ناظری باشد که مصوبات را کنترل کند. نمی‌شود مدعی و قاضی هر دو یک نفر باشد. ثالثاً دیوان عدالت اداری فقط در صورتی که مشکلی پیش آید و شکایت کنند اقدام به بررسی و احیاناً ابطال مصوبه می‌کند در حالی که مواردی پیش می‌آید که اصلاً مردم متوجه مصوبه نمی‌شوند تا شکایت کنند.» (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۰۰۶ و ۱۰۱۰)
- ۷- برای مطالعه بیشتر بنگرید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰: ۹۹۲-۱۰۱۰.



۸- مطابق تبصره (۲) ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی: «اگر بین رئیس مجلس و هیأت دولت و یا کمیسیون‌های مربوطه از جهت استنباط از قوانین اختلاف نظر حاصل شود نظر رئیس مجلس معتبر است.»

9- <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=f1e0d4d9-581a-4c71-bf22-71d35b623bfb&LayoutID=41ac3004-064d-4591-9605-3bb75173947b&CategoryID=e2beada8-28bd-4ff4-a9f8-84d4ee0a2973>.

10- <http://www.lvp.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=72b63708-8f2f-4973-b3ae-cc4da392b7f7&LayoutID=2e21ed2f-7879-45a6-9d5e-fd201cf940e5&CategoryID=cf178fe4-8a88-4911-bfb4-8e6118ebf580>.

«طبق اصل تفکیک قوا در اصل (۵۷) قانون اساسی تحت عنوان استقلال قوا از آن یاد شده است، قوای سه گانه هرچند می‌توانند بر همدیگر نظارت کنند، ولی نمی‌توانند در صلاحیت‌های همدیگر دخالت کنند، اعطای صلاحیت نظارت بر مصوبات دولت به مجلس، نوعی خروج از این اصل محسوب می‌شود.» (محمد نژاد، ۱۳۹۱)

۱۱- «چنانچه از عبارت صریح اصل ۱۳۸ پیدا است مصوبات برای اجراء ابلاغ می‌شود و برای اطلاع به رئیس مجلس ارسال می‌شود تا در صورتی که مصوبه را بر خلاف قوانین بیابد به هیأت دولت برای تجدیدنظر ارسال نماید ولی در این اصل اجازه ملغی‌الاثرب نمودن مصوبه داده نشده است و پیش بینی چنین ضمانت اجرایی علاوه بر اینکه در اصل ۱۳۸ قانون اساسی پیش بینی نشده است» (بداعی، ۱۳۹۱)

۱۲- «تبصره‌های ۴ و ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسوولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی آن از چند جهت محل ایراد است. اول اینکه مغایر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی است. چنانکه بموجب هیچیک از این دو اصل به ریاست محترم مجلس اختیار اعلام لغو مصوبات دولت داده نشده است. دوم اینکه با نفی صلاحیت از دیوان عدالت اداری در موارد تشخیص مغایرت توسط رئیس مجلس، مغایر بند ۳ اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۳ قانون اساسی است. و سوم اینکه از جهت مداخله قوه مقننه در تصمیمات و اقدامات قوه مجریه که طبق اصل ۶۰ قانون اساسی در صلاحیت آن قوه می‌باشد، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی و اصل تفکیک قواست.» (منشی زاده، ۱۳۹۱)

۱۳- «رویکرد مجلس شورای اسلامی در خصوص ضمانت اجرای اصول (۱۳۸ و ۸۵) قانون اساسی، قابل انتقاد است، مجلس در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۸ قانون «نحوه اجرا اصول (۱۳۸ و ۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسوولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی» را اصلاح کرد و پنج تبصره بدان افزود. طبق بخشی از اصلاحات مزبور، دولت و کمیسیون‌های مربوطه مکلفند « ظرف یک هفته از تاریخ تصویب، مصوبات خود را ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع مجلس شورای اسلامی برسانند. پس از اظهار نظر رئیس مجلس نسبت به مصوباتی که آنها را مغایر

با قوانین می‌داند؛ اگر در مدت مقرر نسبت به لغو یا اصلاح قسمت مورد ایراد مصوبه اقدام نشود، پس از پایان مهلت مزبور این قسمت‌ها ملغی‌الآثر خواهد بود. این اصلاحیه که در راستای اعطای ضمانت اجرا به اصول (۸۵ و ۱۳۸) قانون اساسی به تصویب مجلس رسیده است، به نظر میرسد، مغایر با قانون اساسی است و بی‌جهت، به صلاحیت‌های مجلس در مقابل دولت می‌افزاید. افزایش اختیارات مجلس در برابر دولت می‌تواند تأثیر منفی بر موازنه قوا آنچنانکه در قانون اساسی مورد پذیرش واقع شده است، داشته باشد. زیرا قانون اساسی صلاحیت «الغای اثر مصوبات دولتی» صرفاً به دیوان عدالت اداری سپرده است و طبق اصول تفسیر قانون اساسی، صلاحیت‌های اعطایی به نهادهای اساسی که توسط قانون اساسی صورت گرفته است اختصاص به آن نهادها دارد و هیچ نهادی حتی مجلس نمی‌تواند صلاحیت‌های مشابه را به نهادهای دیگر واگذار کند.» (محمد نژاد، ۱۳۹۱)

۱۴- احمدی نژاد در «اولین همایش قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» مورخ ۱۵ آذر ۱۳۹۱ اظهار کرد: «یکی از مسائلی که در قانون اساسی و قانونگذاری مهم است، تنظیم روابط بین قواست. شأن روابط قوا شأن قانون اساسی است، نه قانون عادی. نمی‌شود ما در قوه مجریه بنشینیم و برای خودمان مقرراتی وضع کنیم که چگونه با قوه قضائیه و مجلس برخورد کنیم. قوه مقننه هم برای خود تنظیماتی درست کند که چگونه با ما و قوه قضائیه برخورد کند. شأن تنظیم روابط قوا قانون اساسی است... نمی‌شود تفسیری از قانون اساسی بکنیم که اکثریت ملت نقطه مقابل آن را بفهمند. در اینجا به نظرم فاقد مشروعیت و اصالت می‌شود... نمی‌شود با تفسیر یا با قانون عادی، قانون اساسی را عوض کرد یا حتی به نام مصلحت از طریق ارجاع آن به مجمع تشخیص مصلحت آن را عوض کرد.» (<http://www.president.ir/fa/43689>)

۱۵- «این روش الغای مصوبات دولت موجب اختلال در نظام اداری و اجرایی کشور می‌شود. در مواردی که خود دولت قصد اصلاح یا لغو مصوبه ای را دارد تمام مسائل اجرائی و مدیریتی موضوع بار مالی و هزینه‌ها و تبعات سیاسی و اجتماعی آن را ملاحظه می‌کند در حالیکه در مواردی که مصوبات دولت از سوی رئیس مجلس لغو و به دستگاههای اجرایی اعلام می‌گردد پاسخگویی به تبعات آن به عهده دولت است بویژه در مواردی که رئیس مجلس مصوبه ای را که مدتی از اجرای طولانی آن گذشته است لغو می‌کنند سال گذشته لغو مصوبه مربوط به خودروی جانبازان یا لغو مصوبه مربوط به انتشار و طراحی ایران چک‌ها مصوب سال ۱۳۸۶ در سال جدید از جمله این مصوبات است.» (بداغی، ۱۳۹۱)

۱۶- «قانونگذار اساسی در اصول (۱۳۸ و ۸۵) از عبارت «اطلاع رئیس مجلس» برای بیان نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولتی استفاده کرده است، باید این نظارت را یک نظارت غیر استصوابی تلقی کنیم. به معنای دیگر، نمی‌توان نظارت رئیس مجلس را در نفوذ یا عدم نفوذ مصوبات دخالت داد. زیرا روشن است که اعطای چنین صلاحیتی به رئیس مجلس شورای اسلامی به عنوان عضوی از قوه عضوی از قوه مقننه دخالت در صلاحیتهای دولت است.» (محمد نژاد، ۱۳۹۱)

۱۷- «هیچیک از این دو اصل دلالتی بر وجود اختیار برای ریاست محترم مجلس مبنی بر لغو مصوبات دولت به جهت مغایرت با قانون ندارند بلکه بموجب قسمت اخیر اصل ۱۳۸ قانون اساسی که از جهتی مبین اصل ۸۵ قانون اساسی نیز هست، ضمانت اجرای تشخیص مغایرت مصوبات دولت با قوانین، صرفاً تا این حد دانسته شده که رئیس مجلس، این موارد مغایرت را با ذکر دلیل جهت تجدید نظر برای هیأت وزیران بفرستد. خود این ضمانت اجرا بخوبی دلالت دارد که اقدام رئیس مجلس صرفاً جنبه اطلاعی دارد و تجدید نظر در مصوبه در صورت احراز مغایرت با قانون، با مرجع تصویب‌کننده یعنی هیئت وزیران می‌باشد.» (منشی زاده، ۱۳۹۱)

۱۸- «حق نظارت بر آیین‌نامه‌های دولت به سه بخش تقسیم شده، یک بخش نظارت مجلس است که در بازنگری سال ۶۸ قانون اساسی نظارت رئیس مجلس جایگزین نظارت رئیس‌جمهور شد. اما با تصویب اصل ۱۳۸ متوجه می‌شویم که این نظارت یک نظارت اطلاعاتی است یعنی مصوبات دولت ضمن اینکه برای اجرا ابلاغ می‌شود برای اطلاع به رئیس مجلس ارسال شده و اگر آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به اطلاع دولت می‌رساند. رئیس مجلس حق تغییر در آیین‌نامه‌های دولت را ندارد، رئیس مجلس تنها می‌تواند درخواست تجدید نظر داشته باشد و یا اگر بر نظر خود مصر بود می‌تواند به دیوان عدالت اداری شکایت کرده و نهایتاً دیوان نسبت به آیین‌نامه‌های دولت اظهار نظر کند.» (الهام، ۱۳۹۱)

۱۹- «بموجب ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون از صلاحیتها و اختیارات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دانسته شده است. لذا در مواردی که ریاست محترم مجلس، مصوبه‌ای را برخلاف قانون تشخیص دهد و با ذکر علت برای هیئت وزیران ارسال نماید لیکن دولت از اصلاح و تجدیدنظر در مصوبه مذکور امتناع نماید، ریاست محترم مجلس می‌تواند با انعکاس موضوع و ذکر علت مغایرت مصوبه با قانون، به دیوان عدالت اداری از طریق طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال آن مصوبه را بنماید. چنین راه حلی بویژه از این جهت حائز اهمیت است که هم با اصل تفکیک قوا و استقلال قوای مجریه، مقننه و قضاییه از یکدیگر مطابقت دارد.» (منشی زاده، ۱۳۹۱)

۲۰- «از سوی دیگر راه حل مذکور از ایجاد نهادهای موازی جلوگیری می‌نماید. این در حالیست که در حال حاضر بموجب قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسوولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی، هم رئیس مجلس بعنوان مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولت با قانون تعیین شده و هم بموجب اصل ۱۷۳ و قانون تشکیل دیوان عدالت اداری، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دارای صلاحیت جهت تشخیص مغایرت مصوبات دولت با قانون می‌باشد.» (منشی زاده، ۱۳۹۱)

21- <http://www.lvp.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=57602d2e-c14b-4e07-9991-115cce624df7&LayoutID=2e21ed2f-7879-45a6-9d5e-fd201cf940e5&CategoryID=cf178fe4-8a88-4911-bfb4-8e6118ebf580>.

«با توجه به متن این قوانین رئیس مجلس اختیار ابطال مصوبات دولت را مستقیماً ندارد بلکه باید اشکالات را به هیأت دولت برای توقف یا رفع اشکال بفرستد و حتی با توجه به قانون الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصول (۸۵ و ۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی، اختیار ابلاغ مستقیم ابطال مصوبات دولت به رئیس مجلس شورای اسلامی، اختیار ابلاغ مستقیم ابطال مصوبات دولت به رئیس مجلس شورای اسلامی داده نشده و تنها ذکر شده است «چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیأت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود، پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الاثراً خواهد بود.» لذا ریاست مجلس نمی‌تواند ابطال مصوبات دولت را مستقیماً به دستگاه‌های اجرایی اعلام نماید.» (عباسی، ۱۳۹۱)

۲۲- «اعمال نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت نباید مغایر این اصول باشد این وضع واقع‌برای دولت و دستگاه اجرایی موجب عدم انسجام می‌شود شاید به همین دلیل است که نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت در اکثر قوانین اساسی دنیا پیش بینی نشده است.» (بداغی، ۱۳۹۱)

۲۳- «در مذاکرات تدوین قانون اساسی (۱۳۵۸) و بازنگری قانون اساسی (۱۳۸۶) اصل قانونی بودن اعمال دولت به عنوان تنها دلیل جهت تأسیس نظارت حقوقی بر مصوبات دولت مطرح شده است. نایب رئیس مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی در این مورد اظهار کرده است: «در راه اجرای قانون یک سلسله مقررات خاص و تفصیلی لازم می‌شود که اینها را هیئت دولت تصویب می‌کند به صورت آیین نامه، اینها اصلاً باید منطبق با قوانین باشد یعنی اینها مستقیماً باید با قانون منطبق باشد اگر با قانون منطبق بود خود به خود با قانون اساسی و قوانین شرع هم منطبق هست و اگر با قانون مخالف بود می‌تواند با آنها هم مخالف باشد...» حال آنکه به نظر می‌رسد تمهید چنین فرایندی دارای هزینه‌های قابل توجهی است زیرا به طور روز افزونی بر تعداد مصوبات دولتی افزوده می‌شود و اعمال نظارت حقوقی بر آنها نیازمند برخورداری رئیس مجلس از پشتوانه کارشناسی و صرف وقت و هزینه‌های قابل توجه است. حال آنکه با وجود اعمال نظارهای پسینی توسط نهادهای قضایی (اصول ۱۷۰ و ۱۷۳) و نهادهای سیاسی (مانند سوال، استیضاح، کمیسیون اصل ۹۰ و فرایند تحقق و تفحص) و سایر نظارتهای حقوقی (مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات عمومی) نیاز چندانی به این نظارت نیست. همانطور که در سایر قوانین اساسی نیز به ندرت می‌توان مشاهده چنین فرایندی را مشاهده کرد.» (محمدنژاد، ۱۳۹۱)

۲۴- «رئیس مجلس را در قانونگذاری جایگزین رئیس‌جمهور کردند که به نظر من جای نقد دارد. چون رئیس مجلس نه تخصص حقوقی دارد و نه تبلور مجلس است، بلکه مدیر و رئیس آن است. سوال اینجاست که در آنجا (اصل ۱۳۸ قانون اساسی) گفته که اگر بر خلاف قوانین یافت، باید با ذکر دلیل آنرا برای تجدید نظر برگرداند. آیا این به معنای ابطال استعبارت قانون را اگر به لفظ آن تقيید کنیم راهگشا خواهد بود.» (الهام، ۱۳۸۹)

25- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911222000365>.

۲۶- تصویب‌نامه به شماره ۱۷۶۴۴۱/ت/۴۸۷۰۲ مورخ ۱۳۹۱/۹/۳، موضوع: «طرح مهر آفرین».

۲۷- تصویب‌نامه شماره ۱۹۵۰۹۷/ت/۴۸۷۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۵ موضوع «استخدام ۱۵۰۰ نفر

در نهاد ریاست جمهوری».

۲۸- تصویب‌نامه شماره ۱۰۷۴۴۱/ت/۴۴۴۴۴ک مورخ ۱۳۹۱/۵/۲۸ موضوع «فسخ قرارداد با

شرکتهای خدماتی»، تصویب‌نامه شماره ۲۵۹۱۶۷/ت/۴۷۶۲۳ک مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۵ موضوع «اصلاح مصوبه ملغی‌الاثراً شدهٔ نیروهای شرکتی».

29- <http://www.lvp.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=cf178fe4-8a88-4911-bfb4-e6118ebf580&WebPartID=05077b62-9904-4cfe-bbfd-19cc7cef4c58&ID=2751aeecc0c6b-4275-b302-115254c18266>.

30- <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/116373/%D9%85%D9%8A%D8%B1%D8%AA%D8%A7%D8%AC%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%AF%D9%8A%D9%86%D9%8A%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3-%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%B2%D9%87-%D9%84%D8%BA%D9%88-%D9%85%D8%B5%D9%88%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%B1%D8%A7-%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF>.

31- <http://rajanews.com/detail.asp?id=125003>.

۳۲- ماده ۵- مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند. تبصره - اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد.

۳۳- ماده ۱۱- مصوبه و تصمیمی که موجب حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه بندی به عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود.

ماده ۵- مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند.

تبصره - اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد.

۳۴- تصویب‌نامه شماره ۴۸۳۰۳/۱۶۸۳۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۷ موضوع «اصلاح مصوبه

اختیارات و وظایف امنای اماکن مذهبی»، تصویب‌نامه شماره ۲۵۹۱۶۷/ت/۴۷۶۲۳ک مورخ

۱۳۹۱/۱۱/۵ موضوع «اصلاح مصوبه ملغی‌الاثر شده نیروهای شرکتی»، تصویب‌نامه شماره ۱۲۰۲۲۶/ت/۴۷۳۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۸ موضوع «اصلاح مصوبه شماره ۱۶۶۶۳۹/ت/۴۷۳۶۸ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۲»، تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۱۱۴۴۹۶/ت/۴۷۸۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴، موضوع: «اصلاح مصوبه شماره ۴۷۸۲۱/۲۴۹۴۶۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷»، صدر تصویب‌نامه شماره ۶۳۴۳۲/ت/۴۶۲۳۵ مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۵، موضوع: «مجوز شرکت ملی گاز ایران»، تصویب‌نامه شماره ۱۳۴۶۷۹/ت/۴۵۲۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۷ موضوع «مجوز سرمایه‌گذاری شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی»، تصویب‌نامه شماره ۱۳۴۷۰۱/ت/۴۵۲۴۳ مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۷ موضوع «مجوز سرمایه‌گذاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی»، تصویب‌نامه شماره ۵۵۹۰۸/ت/۴۸۰۶۷ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۳، موضوع: «واگذاری شرکت فولاد خوزستان»، تصویب‌نامه شماره ۵۵۹۰۸/ت/۴۸۰۶۷ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۳ موضوع «واگذاری شرکت فولاد خوزستان» تصویب‌نامه شماره ۶۸۵۴۳/ت/۴۷۸۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۲، موضوع: «اصلاح مصوبه شماره ۲۵۶۷۰۳/ت/۴۷۸۲۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۸».

### 35- ladite loi.

۳۶- مطابق نظر شورای نگهبان به شماره ۱۳۸۰/۲۱/۲۲۵۴ «عطف به نامه شماره ه ۳۲۸۹/ب ۱۳۸۰/۳/۱۲ صرف نظر از اینکه امور مهمه‌ای از قبیل تعیین بودجه موضوع نامه شماره ۸۸۰۰/ت/۲۲۹۰۶ مورخ ۱۳۷۹/۳/۷ خارج از شمول محدوده اصل ۱۲۷ می‌باشد، تشخیص موضوع و تعیین مصداق آن با اصل مذکور و تفسیر به عمل آمده به عهده خود جنابعالی است، نیازی به اظهار نظر شورای نگهبان ندارد.»

۳۷- رئیس مجلس مطابق مواد (۳۸) و (۴۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، و همچنین تبصره (۲) ماده (۱) اصلاحی لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (مصوب ۱۳۸۸) صلاحیت رسیدگی به تصمیمات مراجع مندرج در مواد قانونی را منطبق بر قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) بر عهده دارد.

۳۸- تمامی مصوبات حاصله که از منابع مختلفی به دست رئیس مجلس می‌رسد در صلاحیت او نیستند در نتیجه بخش قابل توجهی از مصوبات حاصله در بررسی هیئت تطبیق با ایراد «عدم صلاحیت» روبرو می‌گردند. به علاوه مبتنی بر مصالح قانونی ممکن است رئیس مجلس از اعلام نظر مغایرت خود تحت عنوان «سکوت» خودداری نماید و یا به هر دلیلی علی‌الخصوص معوقه شدن دریافت کردن مصوبه‌ای بیش از سه یا چهار سال از زمان صدور) نتوانسته‌است به آن رسیدگی نماید... به علاوه آنکه نهادهای موضوع مواد (۳۸) و (۴۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، و همچنین تبصره (۲) ماده (۱) اصلاحی لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (مصوب ۱۳۸۸) نیز مصوبات خود را برای رئیس مجلس ارسال نمی‌کنند.

۳۹- آقای هاشمی رفسنجانی: «مجلس اقتداراتی دارد یکی قانونگذاری است، بماند. یکی نظارت است.» (جلسه هفتم شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۵۱)

۴۰- در طول تمامی دوره‌های این هیئت از معاونین وزرا همانند معاونین فعلی یا بازنشسته وزارت اقتصاد و معاونت‌های ریاست جمهوری بهره برده شده است چنانکه قائم مقام معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری و برخی از حقوقدانان این معاونت مدتها عضو این هیئت هستند. این ترکیب با حضور حداکثر ۶ نماینده و تنی دیگر از اساتید دانشگاه تکمیل می‌گردد.

41- <http://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=JORFTEXT000000256180>.

42- les motifs.

43- la commission de contrôle de l'application des lois.

44- Conseil d'État.

۴۵- رونوشت تصویب‌نامه شماره ۲۴۲۸۹۵/ت/۴۸۵۲۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ از حیث افزودن شرطی مازاد بر آنچه در تبصره «۲» ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنجم توسعه، تصویب‌نامه به شماره ۶۵۶۳۶/ت/۴۸۰۹۳ مورخ ۱۳۹۱/۴/۷ موضوع «فوق العاده جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی و ...» به جهت تسری حکم قانون به افراد غیر مشمول، تصویب‌نامه شماره ۱۹۲۹۰۹/ت/۴۸۶۴۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳ موضوع «اعاده به خدمت برخی از بازنشستگان»، تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۱۴۱۶۰۴/ت/۴۷۸۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۱، موضوع: «آئین نامه اجرایی بند (د) ماده (۴۶) قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران».

۴۶- تصویب‌نامه شماره ۲۱۹۹۴۲/ت/۴۸۴۸۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۹، موضوع «تقسیمات کشوری استان سمنان»، تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۲۳۵۹۹۴/ت/۴۸۰۲۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ از حیث عدم دقت به سالیانه بودن قانون بودجه، رونوشت تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۲۴۳/ت/۴۸۱۳۰ مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۵ موضوع «اختصاص اعتبار بدون الزام به رعایت قانون محاسبات به استانداری خراسان رضوی» از حیث عدم تصریح به سقف قانونی.

۴۷- تصویب‌نامه شماره ۴۷۶۲۱/۲۰۳۳۱۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ موضوع: «انعقاد قرارداد برای لایروبی رودخانه‌های کارون و بهمشیر» از حیث عدم مراعات مواد (۲۷) و (۲۸) برگزاری مناقصات و ماده (۳) «قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات»، تصویب‌نامه شماره ۲۵۹۱۸۴/ت/۴۷۹۰۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۸ موضوع «اصلاح مصوبه محاسبه درآمد حاصل از جرایم رانندگی» از حیث عدم تصریح به مبادله موافقت‌نامه و تخصیص اعتبار مطابق بند «و» ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنجم.

- ۴۸- تصویب‌نامه شماره ۱۲۴۹۱۵/ت/۴۵۱۱۷ هـ مورخ ۱۳۸۹/۶/۶ موضوع «وظایف وزارت کشور در استان همدان»؛ تصویب‌نامه شماره ۱۹۸۸۵۷/۴۷۵۲۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۰ موضوع وظایف وزرات‌خانه‌ها در استان چهارمحال و بختیاری؛ تصویب‌نامه شماره ۲۰۹۹۳۳/۴۷۶۱۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ موضوع وظایف وزرات‌خانه‌ها در استان کهگیلویه و بویراحمد.
- ۴۹- بند (۸) تصویب‌نامه شماره ۲۲۵۶۵۱/ت/۴۸۷۰۲ هـ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۷.
- ۵۰- بند «ج» ماده (۹) تصویب‌نامه شماره ۵۰۲۹۸/ت/۴۶۴۲۸ هـ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۶ و اصلاحیه آن به شماره ۱۵۹۳۴۱/ت/۴۸۴۵۲ هـ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۵ موضوع «اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی»، تصویب‌نامه شماره ۱۰۲۸۲۸/ت/۴۷۶۴۴ هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲۲ موضوع «اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران».
- ۵۱- تصویب‌نامه به شماره ۱۵۴۰۱۸/ت/۴۸۱۷۶ هـ مورخ ۱۳۹۱/۸/۶ موضوع «اجازه ورود و ترخیص بیست دستگاه خودرو» از حیث تجویز ورود چند دستگاه خودرو «بدون اخذ ثبت سفارش و بدون رعایت ضوابط فنی واردات خودرو»، تجویز ورود چند دستگاه خودرو «بدون اخذ ثبت سفارش و بدون رعایت ضوابط فنی واردات خودرو» تصویب‌نامه شماره ۹۱/۱۲۳۷۷/ت/۴۷۸۶۶ هـ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۷، موضوع: «ورود و ترخیص خودرو».
- ۵۲- تصویب‌نامه شماره ۱۶۸۸۷۲/ت/۴۷۵۲۳ هـ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۵ موضوع «تصمیم نمایندگان ویژه در خصوص تداوم تولید خودرو وانت پیکان» و همچنین تصویب‌نامه شماره ۴۷۱۷۵/۱۶۷۷۶۵ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۳ موضوع: «شماره گذاری کامیون کشنده هوو» از حیث مغایرت با ماده ۲ قانون ارتقاء کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی.
- ۵۳- مصوبه شماره ۱۲۱۰۵۳/ت/۴۷۴۰۵ هـ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ در خصوص فقدان پیشنهاد وزیر جهاد کشاورزی برای تعیین قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی بر اساس تبصره (۱) ماده واحده قانون تضمین خرید محصولات کشاورزی. همچنین در مورد اعطای نشان‌های دولتی موضوع ماده (۷) قانون اختیارات ریاست جمهوری که باید پیشنهاد وزرای ذیربط وجود داشته باشد همانند اعطای نشان به برای آقای مشایی بر اساس مصوبه شماره ۲۵۲۵۶۳/ت/۴۸۴۵۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹. مصوبه ۴۱۴۲۶/ت/۴۸۴۵۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۴ در اعطای نشان به آقایان کردوانی، اعوانی و میکوثی. مصوبه شماره ۴۷۷۵۵۷/ت/۴۸۴۵۳ هـ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۱ اعطای نشان به آقایان شمس و زنجیره‌ای و خانم گل گل ...
- ۵۴- بند (۱۷) مصوبه شماره ۴۶۵۵۷/۶۵۱۶۳ مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۸ موضوع وظایف معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در استان کرمانشاه از حیث اخلاص در صلاحیت «کمیته تخصیص اعتبارات استان». بند (۲) مصوبه شماره ۴۶۱۷۲/۲۷۷۵۵۵ مورخ ۱۳۸۹/۴/۱۲ وظایف سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در استان گیلان و همچنین مصوبه شماره ۴۵۹۲۶/۲۲۴۲۸۵



مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۷ وظایف وزارت نیرو در استان مرکزی از حیث اخلال در صلاحیت «هیئت امنای صندوق توسعه ملی». تصویب‌نامه شماره ۴۶۶۸۵/۱۳۶۰۳۶ مورخ ۱۳۹۰/۷/۹ موضوع: «افزایش نرخ مکالمه تلفن ثابت» از حیث اخلال در وظایف «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات». تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۴۷۴۵۸/۱۷۲۰۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۹/۱ موضوع: «اختصاص مبلغی از تسهیلات قرض الحسنه بانک ملی برای پرداخت به اشخاص معرفی شده توسط نهاد ریاست جمهوری و بانک مرکزی». بندهای (۱)، (۲)، (۴) و (۵) تصویب‌نامه شماره ۲۰۲۹۸۳/ت/۴۸۶۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۷ از حیث اخلال در صلاحیت فرمانده کل قوا و روساس سایر قوا، تصویب‌نامه شماره ۴۸۵۶۱/م/۹۱/۲۶۳۷۴ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۰ موضوع «انتشار و فروش اوراق پیش فروش نفت» از حیث اخلال در صلاحیت شورای اقتصاد.

۵۵- مصوبه ۴۲۷۰۶/ت/۴۸۰۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ در الزام استانداری اصفهان به هزینه کرد با «هماهنگی نهاد ریاست جمهوری» در مغایرت با ماده (۵۳) قانون محاسبات عمومی یا مصوبه ۴۲۶۶۵/ت/۴۹۱۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ در الزام استانداری آذربایجان شرقی به هزینه کرد با «هماهنگی نهاد ریاست جمهوری»، تصویب‌نامه شماره ۱۹۷۲۷۶/ت/۴۶۵۷۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۹ موضوع «مهلت شش ماهه به کارخانجات جای بابت انتقال دیون و تعهدات به بانک‌های عامل» از حیث اختلال در اختیارات بانک‌ها، تصویب‌نامه شماره ۱۲۰۱۲۹/ت/۴۸۲۱۱ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۸ موضوع «اجازه انتشار اوراق مشارکت» از حیث اخلال در وظایف وزیران توسط دستیار ویژه رئیس جمهور.

۵۶- جزء (۴) بند (ب) مصوبه شماره ۲۲۷۲۹۳/۴۶۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ موضوع وظایف وزارت‌خانه‌ها در استان ایلام.

۵۷- تصمیم نماینده ویژه رئیس‌جمهور به شماره ۱۰۰/۵۲۴۸۸ مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۷ موضوع «تأمین هزینه خدمات آبرسانی، برق‌رسانی و فاضلاب طرح مسکن مهر» و تصویب‌نامه شماره ۴۸۳۲۲/ت/۱۴۶۳۲۴ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ موضوع «هزینه از محل منابع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» از حیث استفاده از محل حوادث غیر مترقبه موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، تصویب‌نامه شماره ۴۸۵۵۹/۹۱/۲۵۷۷۷ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۴ موضوع «کمک وزارت نفت به کومور، آفریقای جنوبی و زیمبابوه».

۵۸- مصوبه شماره ۴۶۵۱۸/۲۷۴۳۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۰ موضوع وظایف وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان، مصوبه شماره ۴۶۵۵۷/۶۵۱۶۵ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۷ موضوع وظایف بانک مرکزی در استان کرمانشاه، مصوبه شماره ۴۵۹۹۷/۲۴۸۱۱ مورخ ۱۰/۲۸/ موضوع ۱۳۸۹ موضوع وظایف معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در استان البرز، مصوبه شماره ۴۵۹۹۷/۲۴۵۳۶۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ موضوع وظایف وزارت جهادکشاورزی در استان البرز، مصوبه شماره ۳۹۶۵۲/۲۰۷۶۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶ موضوع وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در استان همدان.

- ۵۹- بند (۲) مصوبه شماره ۲۱۹۶۰۴/ت/۴۸۸۰۲ک مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۹ در خصوص افزایش قیمت خودروهای سبک به نرخ تجاری از حیث عدم رعایت مواد (۴) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و (۳۷) و (۵۲) قانون محاسبات عمومی. در بند (۱) مصوبه شماره ۲۶۳۸۳/ت/۴۸۹۱۷ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ در خصوص واگذاری طرح کنستانتره سنگان هم مقررات مربوط به مزایده و هم واریز وجوه حاصله به خزانه مورد رعایت قرار نگرفته است.
- ۶۰- اجرای عادلانه به این معنا که فرصت‌های شغلی برابر مطابق مجوزهای قانونی و افزایش حقوق شفاف و برابر صورت گیرد. از این حیث مصوبات متعددی برای افزایش فوق‌العاده مواد (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری به نفع برخی دستگاه‌ها همانند نهاد ریاست جمهوری تصویب شده که متأسفانه طبقه بندی نیز شده‌اند. به علاوه اینکه افزایش حقوق و فوق‌العاده‌ها شرایطی طبق ماده (۶۸) و تبصره‌های آن دارد که شرایط نیز ماحوظ قرار نمی‌گیرد. تصویب‌نامه شماره ۴۶۵۱۵/۲۷۴۳۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۰ موضوع وظایف وزارت کار و امور اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان، بند (۱۴) تصویب‌نامه شماره ۴۶۳۷۰/۳۳۵۶۰ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۸ موضوع وظایف وزارت راه و ترابری در استان لرستان. اجزای (۱۱) و (۱۲) بند (الف) تصویب‌نامه شماره ۴۶۲۶۹/۲۹۲۱۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ موضوع وظایف وزارت جهاد کشاورزی در استان بوشهر.
- ۶۱- مصوبه شماره ۲۱۴۸۲۷/ت/۴۲۴۹۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲ از حیث خروج موضوعی نسبت به مفاد بند «ه» ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنجم و بند (۱۱۲) قانون بودجه ۱۳۹۱ کل کشور.
- ۶۲- مصوبه شماره ۱۵۷۳۸۳/ت/۴۰۲۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۱ در ورود یک دستگاه خودروی بنز S۶۰۰. مصوبه ۱۵۴۰۱۸/ت/۴۸۱۷۶ مورخ ۱۳۹۱/۸/۶ ورود ۲۷ دستگاه خودروی تویوتا.
- ۶۳- نامه دبیر هیأت دولت به شماره ۲۳۷۵۵/ت/۴۷۳۷۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲ موضوع: «توزیع اعتبارات موضوع بند (۱۱۵) بودجه ۱۳۹۱ کل کشور» از حیث عدم صلاحیت دبیر دولت و همچنین فارغ از آن به جهت عدم رعایت اختیارات مراجع مصرح در خصوص توزیع اعتبارات بند (۱۱۵)، نامه دبیر هیأت دولت به شماره ۲۰۴۴۳۸/ت/۴۸۴۷۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸، موضوع: «کاهش اعتبارات دستگاه‌های ملی اجرایی استانی»، نامه دبیر هیأت دولت به شماره ۱۷۷۰۸۴/ت/۴۸۰۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۱ موضوع «اختصاص اعتبار به استانداری تهران».
- ۶۴- نامه دبیر هیأت دولت به شماره ۱۸۶۷۳۸/ت/۴۷۸۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۶، موضوع: «اصلاح مصوبه اختصاص اعتبار به دستگاه‌های اجرایی»، تصویب‌نامه شماره ۴۷۰۲۱/۱۰۱۳۸۹ مورخ ۱۳۹۱/۶/۵ موضوع «اصلاح مصوبه شماره ۱۲۲۵۴/ت/۴۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۸».

۶۶- تصویب‌نامه هیأت محترم وزیران به شماره ۶۶۹۲۳/ت/۴۸۱۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۰، موضوع: «احداث مترو تهران - ورامین - گرمسار» از حیث عدم دقت در محاسبه حریم ۱۷ متری راه آهن، تصویب‌نامه شماره ۹۴۷۴۹/ت/۵۴۷۶۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴ موضوع «اجازه انعقاد قرارداد کار به وزارت صنعت، معدن و تجارت» از جهت عدم ارتباط ردیف اعتباری معرفی شده به «اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی قالیبافان».

۶۷- هیئت وزیران مکرراً مصوباتی را در غالب اصل (۱۲۷) یعنی نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور داشته که مورد ایراد رئیس مجلس قرار گیرد ولی معاونت حقوقی دولت ابراز داشته که رئیس مجلس نسبت به این مصوبات اختیاری ندارد در حالی که در تفسیر شماره ۱۳۸۰/۲۱/۲۲۵۴ شورای نگهبان، این صلاحیت برای رئیس مجلس شناسایی شده است. (برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، دولت دور نزنند، هفته‌نامه حقوق همشهری، شماره ۱۷۷، ۱۹ دیماه، ص ۱۶).

۶۸- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، بی‌تابی مردم از کژتابی قانون، هفته‌نامه حقوق همشهری، شماره ۱۵۸، هفته آخر مردادماه، ص ۱۶.

۶۹- «در شرایط فعلی درآمد عمومی کشور از محل این سود ۵۷۶ میلیارد تومانی [مجموع درآمد ۶ منطقه آزاد اروند، انزلی، ارس، کیش، قشم و چابهار در سال ۹۱] صفر است.» انبار لویی، غلامرضا (۱۳۹۱)، تفریح این بودجه‌ها بر عهده کیست؟، روزنامه رسالت، مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱، ص ۴.

## منابع و مأخذ

## الف) منابع فارسی

۱. احمدی نژاد، محمود (۱۳۹۱)، تعیین سرنوشت بر مبنای آزادی حق یک ملت است، اولین همایش قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران:  
<http://www.president.ir/fa/43689>.
۲. الهام، غلامحسین (۱۳۹۱/۹/۱۲)، رئیس مجلس حق ابطال آیین‌نامه‌های دولت را ندارد:  
<http://khabaronline.ir/detail/261087>.
۳. الهام، غلامحسین (۱۳۸۹)، محدوده و قلمروی قانونگذاری، سخنرانی در مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
۴. بداغی، فاطمه (۱۳۹۱/۲/۲۳)، اعمال نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت نباید مغایر این اصول باشد، پایگاه اینترنتی معاونت حقوقی دولت (<http://www.lvp.ir/>).
۵. خمینی، روح الله (۱۳۷۷)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
۶. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰)، البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. عباسی، عاطفه (۱۳۹۱/۲/۲۳)، مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد... پایگاه اینترنتی معاونت حقوقی دولت (<http://www.lvp.ir/>).
۸. غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. محمدنژاد، پرویز (۱۳۹۱/۲/۲۳)، بررسی صلاحیت رئیس مجلس در اعمال نظارت بر مصوبات دولت، پایگاه اینترنتی معاونت حقوقی دولت (<http://www.lvp.ir/>).
۱۰. منشی‌زاده، فرزانه (۱۳۹۱/۲/۲۳)، آیا از اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی اختیار لغو مصوبه هیئت وزیران توسط رئیس مجلس استنباط می‌شود؟، (<http://www.lvp.ir/>).
۱۱. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)، چاپ دوم، تهران: انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

ب) منابع لاتین

1. AJDA (2004), AJDA: Droit Administratif, Paris: Dalloz.
2. Marek, Krystina (1954), Identity and continuity of states in public international law, Librairie Droz.
3. Yamamoto, Hironori (2007), Tools for Parliamentary Oversight: A Comparative Study of 88 National Parliaments, Inter-Parliamentary Union.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

1. <http://www.lvp.ir>
2. <http://www.legifrance.gouv.fr>
3. <http://www.icana.ir>
4. <http://www.farsnews.com>
5. <http://rajanews.com>
6. <http://khabaronline.ir>
7. <http://farsi.khamenei.ir>
8. <http://www.president.ir>

